

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تعلّم عبادت است. امام خمینی (ره)

# مطالبات اجتماعی

چهارم دبستان

نیازهای ویژه

(ذهنی)

۱۳۹۴-۹۵

مطالعات اجتماعی  
چهارم ابتدایی

مؤلفین:



مهری کریمیان ، منصوره آقامهدی صراف ، زهرا حقیقت دوست ،  
وجیهه منظمی و اعظم شایان

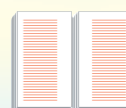
تصویرسازی: علی خدایی و بهناز بشیری



ویراستاری: مانی عظیمزاده



صفحه آرایی: شهرزاد قنبری



حروفچینی: خدیجه متولی



مدیر هنری: پدرام حکیمزاده



طراح جلد: طاهره حسنزاده

چاپخانه: شرکت افست «سهامی عام» (www.Offset.ir)

شابک ۵-۷۷۲-۰۵-۹۶۴ ISBN 964-05-0772-5







بسم الله الرحمن الرحيم

(... و من احياءها فكانها احياء الناس جميعاً...)

بی سبب نیست که کار معلمان کودکان استثنایی را به «شغل انبیاء و مصلحان بزرگ عالم» تشبیه کرده اند، چرا که ماهیت تلاش عاشقانه‌ی آنان جهاد در مسیر احیاء انسان‌هاست. موفقیت در این جهاد خداجویانه مرهون تدوین برنامه‌ی درسی متناسب با توانمندی‌ها و نیازهای دانش‌آموزان استثنایی است به نحوی که نارسایی برنامه‌های درسی و شرایط آموزش و پرورش عمومی برای در برگرفتن این گروه از دانش‌آموزان، حذف آنان از جریان تعلیم و تربیت عمومی را موجب نشود. اینک خدا را شاکرم که پس از مدت‌ها، تلاش ایثارگرانه‌ی معلمان و کارشناسان این سازمان بار دیگر به بار نشست و بخش دیگری از مجموعه‌ی برنامه‌های درسی ضروری برای پرورش استعدادهای دانش‌آموزان عزیزی که در یادگیری و نیازها شرایط متفاوتی دارند برای بهره‌گیری آنان به چاپ رسید.

در این راستا محتوای کتب درسی کودکان استثنایی در مدارس ویژه به منظور تمهید زمینه‌های فراگیری مطالب و مهارت‌هایی که دانش‌آموزان را برای زندگی در جامعه‌ی امروز آماده می‌سازد طراحی شده است. امیدوارم تکمیل این حلقه‌های نهایی زنجیره آموزش و پرورش عمومی و حرفه‌ای، با فراهم آوردن کفایت‌های فردی و اجتماعی لازم، آرزوهای عموم معلمان و والدین این کودکان و نوجوانان را جامه واقعیت بپوشد.

بر خود فرض می‌دانم از تمامی دست‌اندرکاران تدوین این مجموعه در سازمان و نیز مقام محترم عالی‌وزارت، مسئولین و دست‌اندرکاران سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به‌ویژه، اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتب درسی که با حمایت‌های خود در برآورده شدن این نیازها و آرزوی معلمان و دانش‌آموزان استثنایی نقش بزرگی را ایفا کردند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

از آن‌جا که هیچ اثر انسان ساخته‌ای بدون ضعف و کاستی نخواهد بود، مشتاقانه چشم به راه نظریات و پیشنهادهای صاحبان اندیشه و تجربه در جهت ارتقاء کیفیت این برنامه‌ها خواهیم بود.

و ما توفیقنا الاّ بآ... العزیز الحکیم

معاون وزیر و رییس سازمان آموزش و پرورش استثنایی



## فهرست

۲	خانواده
۷	خانواده‌ی روستایی
۱۱	خانواده‌ی شهری
۱۵	دوستی
۱۹	عیادت (۱)
۲۲	عیادت (۲)
۲۹	مواظب باشید
۳۷	رفتگر محله‌ی ما
۴۱	شغلی که من دوست دارم
۴۵	کفّاش
۴۹	مشاور مدرسه
۵۲	نقشه‌ی ایران
۵۶	سفر به قُم (۱)
۵۹	سفر به قُم (۲)
۶۴	دهه‌ی فجر
۶۹	سفر به شیراز (۱)
۷۱	سفر به شیراز (۲)
۷۷	نامه‌ای از مشهد
۸۱	برنامه‌ای برای اوقات فراغت

## خانواده

سال گذشته با یک خانواده آشنا شدیم. دانستیم که هر یک از ما، با خانوادگی خود زندگی می‌کنیم.

یک خانواده، از پدر، مادر و فرزندان تشکیل می‌شود. در بعضی از خانواده‌ها، پدر بزرگ و مادر بزرگ هم زندگی می‌کنند.

پدر و مادر کار می‌کنند تا برای فرزندان خود، غذا، لباس و خانه تهیه کنند. آن‌ها مراقب سلامتی فرزندان خود هستند.

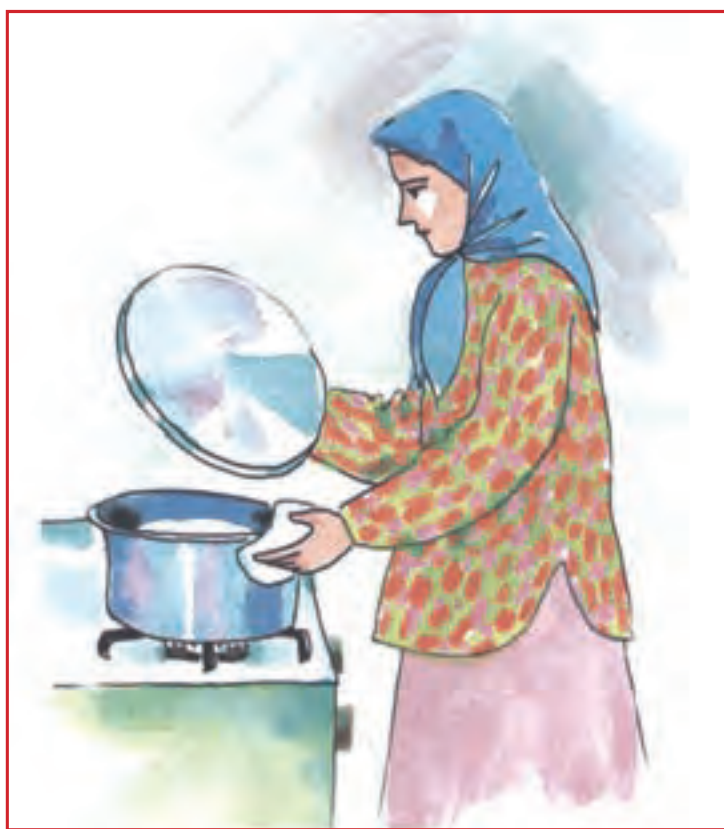
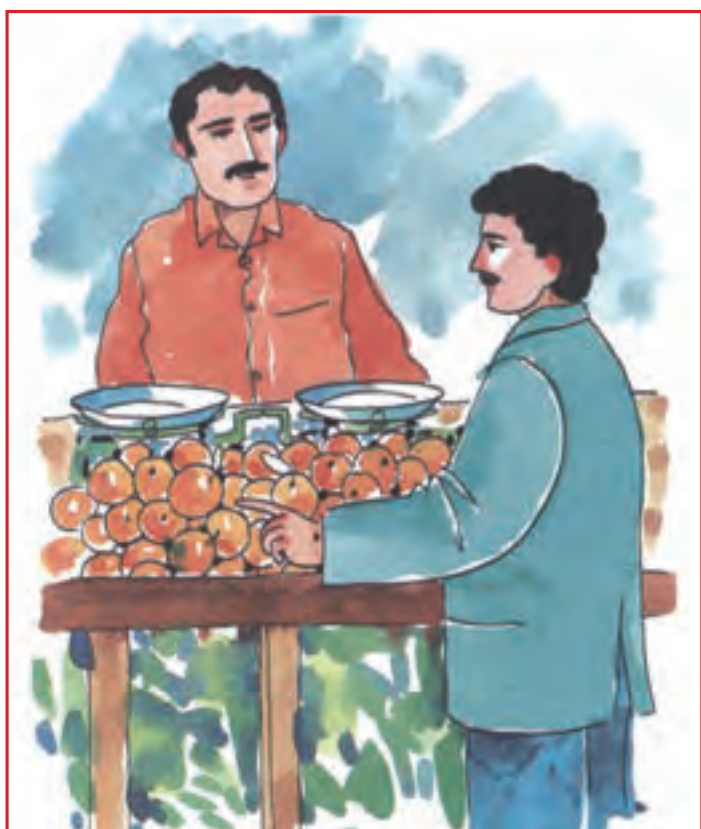
پدر و مادر به فرزندان خود علاقه دارند. آن‌ها فرزندان خود را تربیت می‌کنند تا فرد مفیدی برای خود و دیگران باشند.





فرزندان هم، پدر و مادر خود را دوست دارند و به آنها احترام می‌گذارند.  
بچه‌ها در خانواده نماز خواندن را یاد می‌گیرند. آنها به خواهر و برادر خود کمک  
می‌کنند.

بچه‌ها وظیفه دارند خوب درس بخوانند و در انجام کارهای خانه همکاری کنند.



## کلمه‌ها و ترکیب‌های تازه

تربیت کردن : یاد دادن رفتار درست  
فرد مفید : کسی که به مردم خدمت می‌کند.

### نکته

اگر تعداد فرزندان یک خانواده کم باشد، زندگیِ آن‌ها راحت‌تر است.





- ۱- یک خانواده از چه افرادی تشکیل می‌شود؟
- ۲- پدر و مادر برای فرزندان چه کارهایی انجام می‌دهند؟
- ۳- شما در خانواده‌ی خود با چه کسانی زندگی می‌کنید؟
- ۴- فرزندان در خانه چه وظیفه‌ای دارند؟

با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.

نماز - احترام - کمک

- فرزندان باید به پدر و مادر خود ..... بگذارند.
- فرزندان در خانواده یاد می‌گیرند، ..... بخوانند.
- بچه‌ها باید به خواهر و برادر خود ..... کنند.



- یک نقاشی از خانواده‌ی خود بکشید.

## مقایسه کنید



خانواده با فرزندان کم



خانواده با فرزندان زیاد

– در کدام یک از تصویرهای بالا، پدر و مادر بیشتر می‌توانند به فرزندان خود توجه کنند؟ با علامت ☐ جواب بدهید.

☐ خانواده با فرزندان زیاد

☐ خانواده با فرزندان کم



## خانواده‌ی روستایی

علی در یک **روستا** زندگی می‌کند. پدر او کشاورز است. علی و مادرش در کار کشاورزی به پدر کمک می‌کنند. مادر علی شیر گاو و گوسفندان را هم می‌دوشد. او قالی‌های زیبایی در خانه می‌بافد.

پدر علی قالی و محصولات کشاورزی را در شهر می‌فروشد. او وسایلی را که خانواده احتیاج دارد از شهر می‌خرد.







همه‌ی خانواده‌های روستایی هر روز صبح زود به مزرعه می‌روند. آن‌ها در مزرعه‌ی خود گندم، جو و محصولات دیگر می‌کارند. خانواده‌ی علی مقداری از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند.

### کلمه‌ها و ترکیب‌های تازه

درآمد : پولی که از کار کردن به دست می‌آید.  
پس‌انداز کردن : جمع کردن مقداری از درآمد.  
محصولات کشاورزی : آن‌چه با کشت و کار، از زمین به دست می‌آید.

### نکته

مردم روستا بیشتر مواد غذایی مردم شهر را تهیه می‌کنند. آن‌ها در روستا، گندم، برنج، سبزی، میوه و محصولات دیگر تولید می‌کنند.





## پرسش

- ۱- یک خانواده‌ی روستایی هر روز چه موقع کار خود را شروع می‌کند؟
- ۲- شغل پدر علی چیست؟
- ۳- یک خانواده‌ی روستایی محصولات کشاورزی خود را در کجا می‌فروشد؟
- ۴- مادر علی در چه کارهایی به خانواده‌ی خود کمک می‌کند؟
- ۵- خانواده‌های روستایی با پولی که از فروش محصولات کشاورزی و قالی‌بافی به دست می‌آورند، چه می‌کنند؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

کشاورزی – پس‌انداز – قالی‌بافی

- زنان روستایی در خانه ..... می‌کنند.
- بچه‌های روستا در کار ..... به خانواده‌ی خود کمک می‌کنند.
- مردم روستا مقداری از پول فروش محصولات خود را ..... می‌کنند.

## تمرین



– در دفتر تصویر یک روستا را نقاشی کنید.

## فکر کنید



– به مواد غذایی که در روز مصرف می کنید دقت کنید و بگویید کدام یک از آنها به وسیله ی مردم روستا تهیه شده است.



## خانواده‌ی شهری

در درس قبل با زندگی یک خانواده‌ی روستایی آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم یک خانواده‌ی شهری را بشناسیم.

در یک خانواده‌ی شهری پدر ممکن است در کارخانه، اداره، مغازه و یا ... کار کند. مادر، کارهای خانه را انجام می‌دهد. بعضی از زنان در خانه خیاطی، گلدوزی و بافندگی می‌کنند.

در بعضی از خانواده‌ها زنان بیرون از خانه هم، کار می‌کنند مثلاً در بیمارستان، کارخانه و یامدرسه. آن‌ها با پولی که به دست می‌آورند به درآمد خانواده کمک می‌کنند.





خانواده‌های شهری هم مانند خانواده‌های روستایی مقداری از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند. فرزندان هم با صرفه‌جویی به پس‌انداز خانواده کمک می‌کنند، تا زندگی بهتری داشته باشند.

### کلمه‌ها و ترکیب‌های تازه

صرفه‌جویی: به اندازه مصرف کردن

### نکته

تعداد افرادی که در شهر زندگی می‌کنند، بیشتر از تعداد افرادی است که در روستا زندگی می‌کنند.





## پرسش

- ۱- مردان در شهر به چه کارهایی مشغول هستند؟
- ۲- در شهر، زنان بیرون از خانه چه کارهایی انجام می‌دهند؟
- ۳- چرا خانواده‌های شهری مقداری از درآمد خود را پس‌انداز می‌کنند؟
- ۴- بچه‌ها چگونه می‌توانند به پس‌انداز خانواده کمک کنند؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

راحتی - خانواده

- بعضی از زنان در خانه با خیاطی، گلدوزی و بافندگی به درآمد ..... کمک می‌کنند.
- پدر و مادر برای ..... فرزندان خود کار می‌کنند.



## تمرین

- شغل پدر شما چیست؟ درباره‌ی آن در کلاس توضیح دهید.
- آیا مادر شما در بیرون از خانه هم کار می‌کند؟

## مقایسه کنید



به تصویرها با دقت نگاه کنید:  
- هوا در شهر چگونه است؟  
- هوای روستا چگونه است؟



## دوستی



اسم من نرگس است. من در کلاس چهارم درس می خوانم. من یک دوست دارم. نام او زهرا است. من و زهرا هم کلاسی هستیم. ما با هم درس می خوانیم. ما در یادگیری درس ها به یکدیگر کمک می کنیم.



اسم این دختر مینا است. من و مینا در یک محله زندگی می کنیم. ما با هم دوست هستیم و به یکدیگر احترام می گذاریم. بعضی از روزها مادر به من اجازه می دهد تا در خانه با مینا بازی کنم.

اسم این دختر فاطمه است. خانوادگی فاطمه با خانوادگی ما دوست هستند. ما با هم رفت و آمد خانوادگی داریم.

بچه‌ها، شما هم می‌توانید مانند من دوستان زیادی داشته باشید. به دیدن آن‌ها بروید، با آن‌ها بازی کنید، درس بخوانید و هر وقت احتیاج به کمک داشتید به یکدیگر کمک کنید. بچه‌ها، دوست بودن با دیگران خیلی خوب است. اما باید در **انتخاب دوست** دقت کنید و از پدر و مادر خود بخواهید تا شما را راهنمایی کنند.





## پرسش

- ۱- نر گس چند دوست دارد؟
- ۲- نام هم کلاسی نر گس چیست؟
- ۳- نام دوستی که همسایه‌ی نر گس است، چیست؟
- ۴- نر گس با کدام یک از دوستان خود رفت و آمد خانوادگی دارد؟
- ۵- آیا می‌توانید بدون راهنمایی خانواده دوست انتخاب کنید؟
- ۶- در چه کارهایی می‌توانید با دوستان خود همکاری کنید؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

راهنمایی - دقت

- باید در انتخاب دوست ..... کنید.
- برای انتخاب دوست از پدر و مادر خود ..... بخواهید.



## فکر کنید

بگویید یک دوست چگونه به شما کمک می‌کند؟





جدول زیر را کامل کنید:

نام دوستان هم کلاسی شما	نام دوستان هم محله‌ی شما	نام دوستان خانوادگی شما

## مقایسه کنید



با دقت به تصویرهای بالا نگاه کنید و بگویید کدام تصویر رفتار درست را نشان

می‌دهد.

## عیادت (۱)

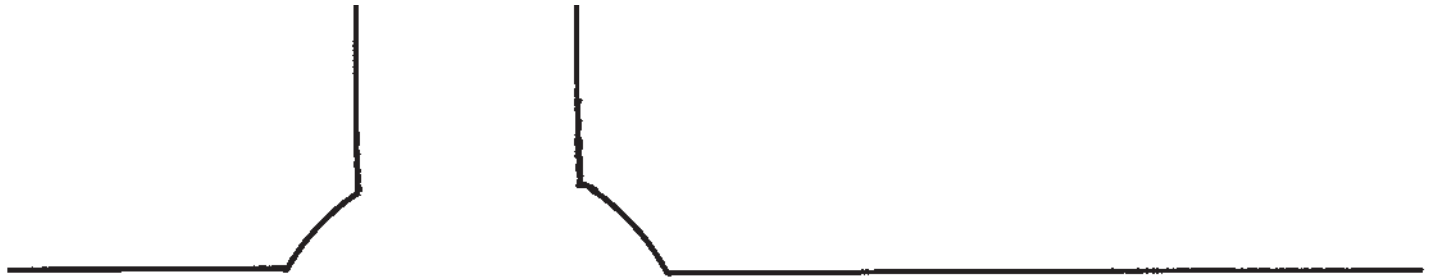
چند روزی بود که حمید بیمار بود و به مدرسه نمی آمد. علی و رضا می خواستند به دیدن او بروند. علی نشانی خانه ی حمید را به پدرش داد. او از پدر پرسید: چگونه می توانیم به آن جا برویم؟

پدر گفت: برای پیدا کردن منزل حمید باید نشانی کامل آن را بدانید. مثلاً، نام میدان نزدیک به خانه، نام خیابان، نام کوچه و شماره ی خانه. پدر ادامه داد: آیا تو نشانی خانه ی خودمان را می دانی؟

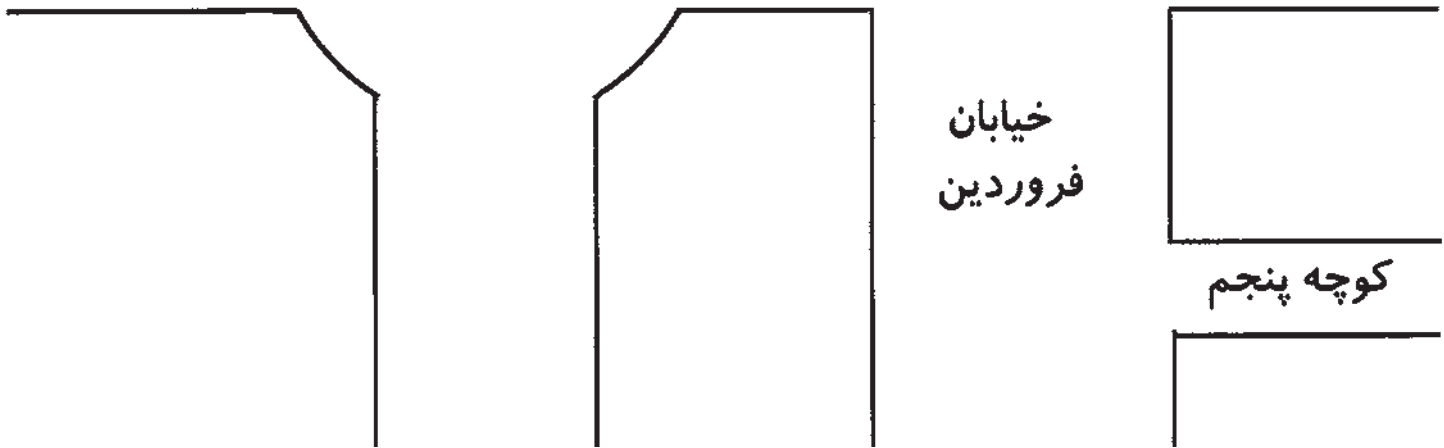
علی گفت: بله. میدان انقلاب، خیابان فروردین، کوچه ی پنجم، شماره ی ۲۷. پدر گفت: آفرین، حالا من نشانی خانه ی حمید را روی کاغذ می کشم. شما می توانید با استفاده از آن راحت تر آن جا را پیدا کنید. سپس پدر نشانی خانه ی حمید را روی کاغذ کشید و به آن ها داد. آن ها از پدر تشکر کردند و به طرف خانه ی حمید به راه افتادند.







میدان انقلاب



### نکته

یک شهر از میدان‌ها، خیابان‌ها و کوچه‌ها تشکیل شده است.

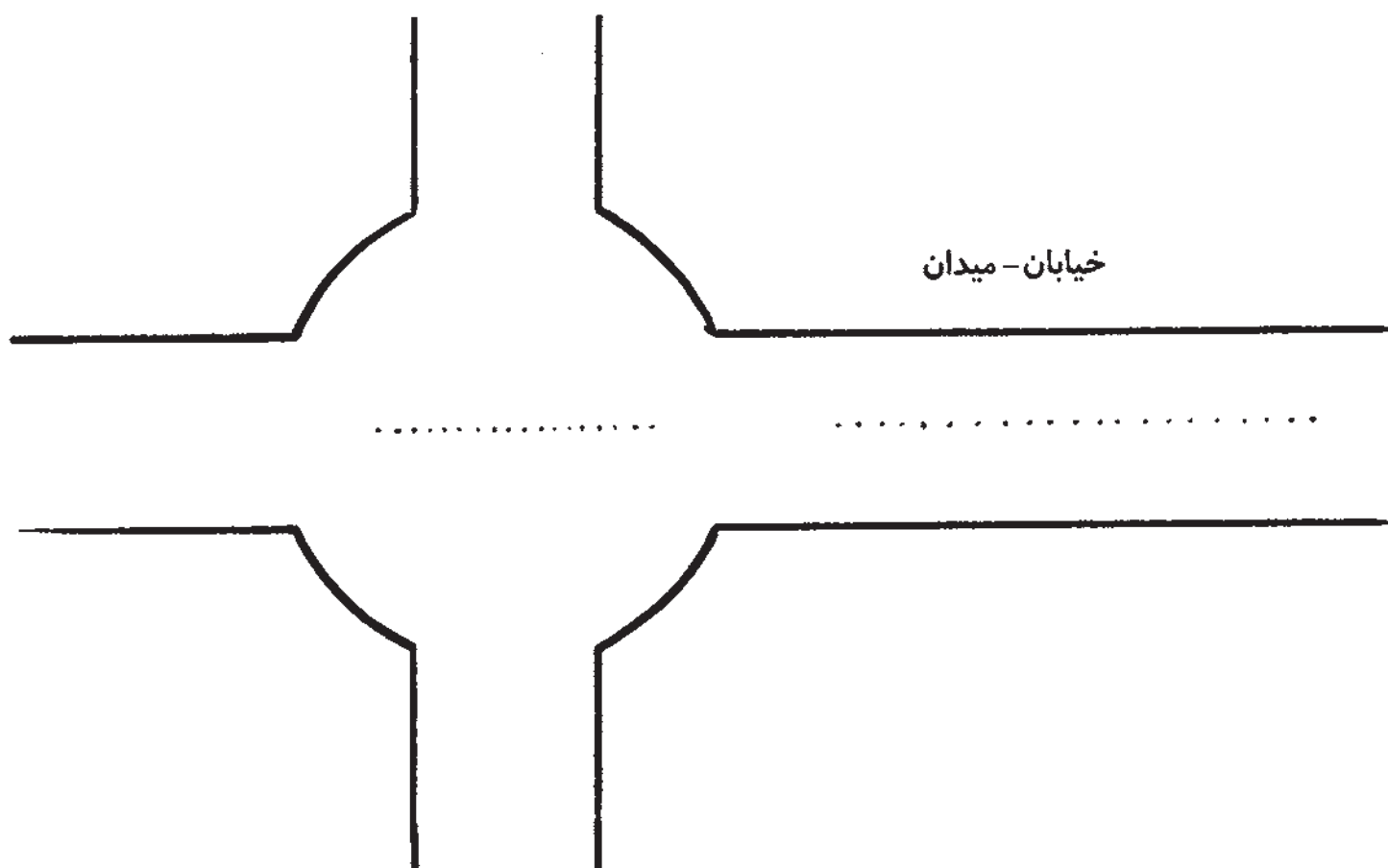
### پرسش



۱- چرا علی و رضا می‌خواستند به دیدن حمید بروند؟

۲- برای پیدا کردن یک نشانی علاوه بر نام میدان چه چیزهایی را باید بدانیم؟

نقطه چین ها را با کلمه های مناسب پر کنید.



تمرین



۱- نشانی خانه ی خود را در جاهای خالی بنویسید.

میدان : ..... خیابان ..... کوچه ..... شماره ی خانه .....

۲- با کمک آموزگار خود نشانی مدرسه ی خود را روی کاغذ بکشید.



## عیادت (۲)

علی و رضا از خانه بیرون آمدند.

در خیابان علی به رضا گفت: بهتر است با اتوبوس به خانه‌ی حمید برویم.

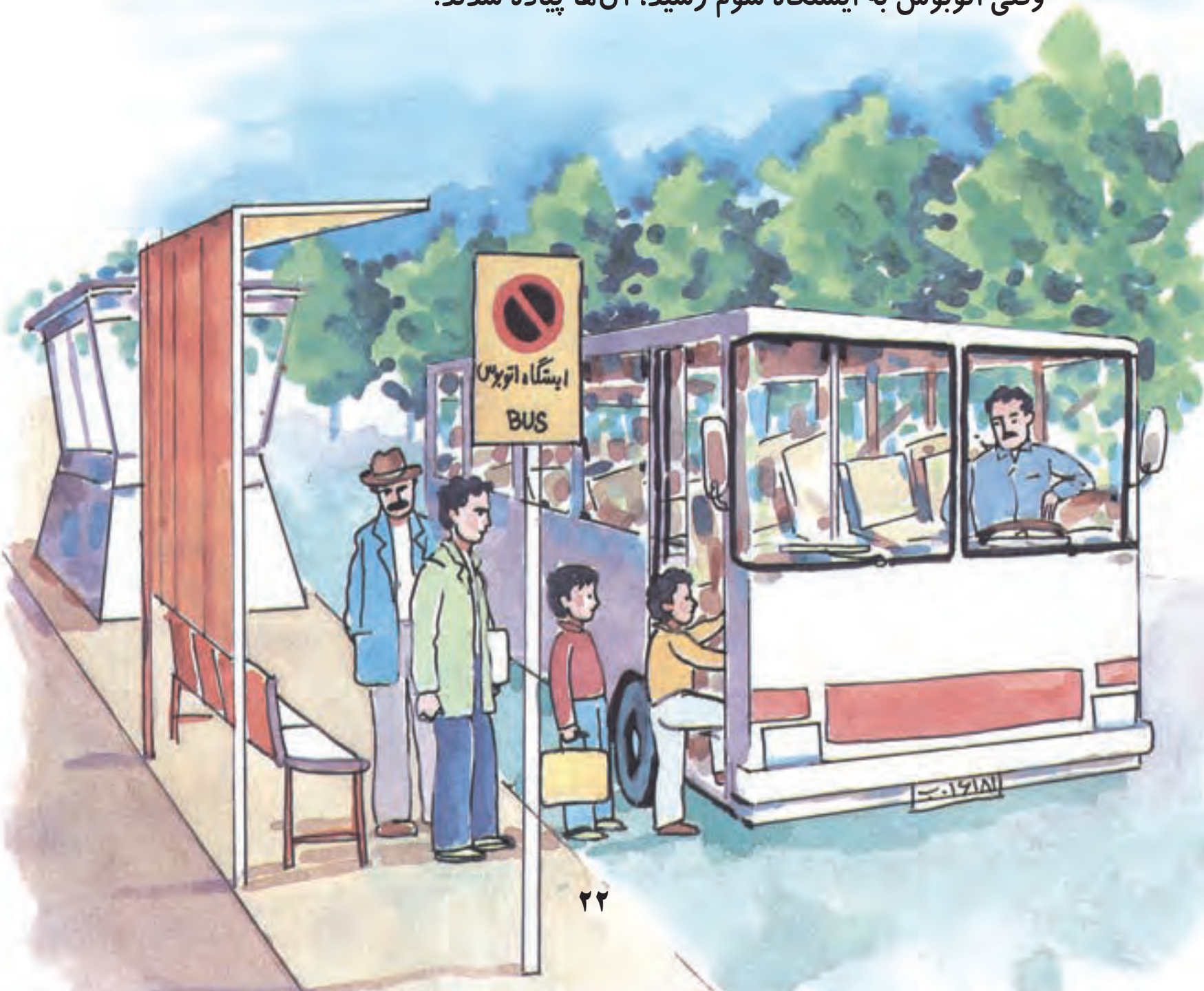
رضا گفت: برای سوار شدن به اتوبوس اوّل باید بلیت بخریم.

آن‌ها با هم به طرف محلّ فروش بلیت اتوبوس رفتند.

بچه‌ها بعد از خرید بلیت، به ایستگاه اتوبوس رفتند و در صف ایستادند.

بعد از مدّتی اتوبوس آمد. رضا و علی به نوبت سوار اتوبوس شدند.

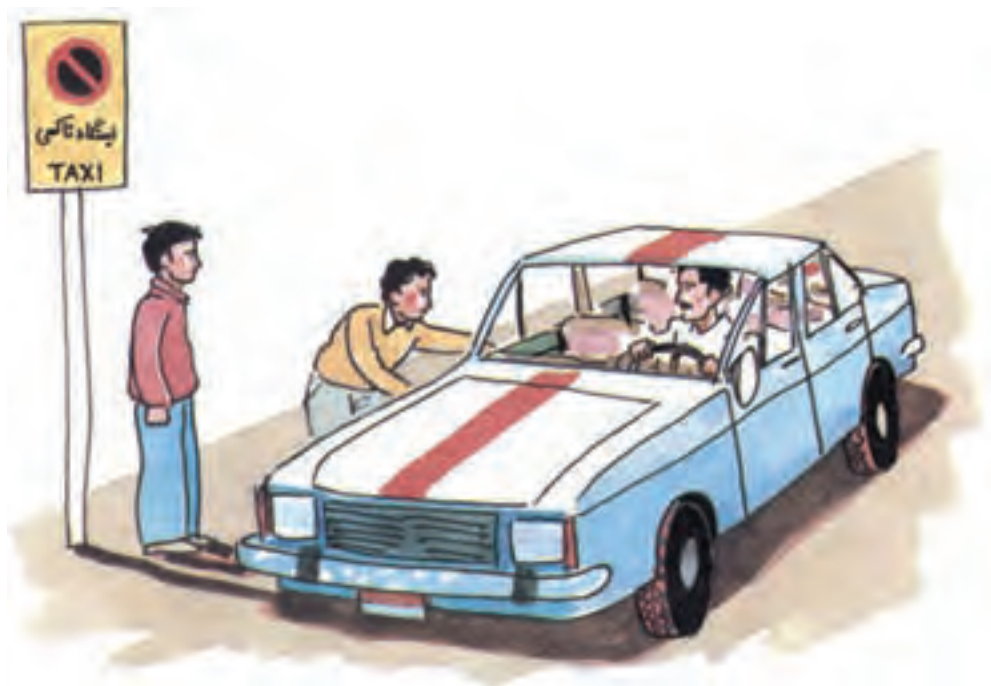
وقتی اتوبوس به ایستگاه سوّم رسید، آن‌ها پیاده شدند.



خانه‌ی حمید رو به روی ایستگاه اتوبوس بود. بچه‌ها از گل فروشی چند شاخه گل خریدند و به خانه‌ی حمید رفتند.

حمید از این که دوستانش به عیادت او آمدند خوشحال شد. او از آن‌ها تشکر کرد. در راه بازگشت رضا و علی تصمیم گرفتند با تاکسی به خانه برگردند.

آن‌ها در ایستگاه تاکسی ایستادند. رضا نام خیابانی را که در آن زندگی می‌کنند به راننده‌ی تاکسی گفت. آن‌ها سوار تاکسی شدند و تاکسی به طرف خانه‌ی آن‌ها به راه افتاد. وقتی آن‌ها به خانه رسیدند به راننده‌ی تاکسی پول دادند و پیاده شدند.



### نکته

شرکت اتوبوس‌رانی با پولی که از فروش بلیت به دست می‌آورد، اتوبوس‌های خراب را درست می‌کند و اتوبوس جدید می‌خرد.



ایستگاه اتوبوس  
BUS



ایستگاه تاکسی  
TAXI





۱- اولین کاری که برای سوار شدن به اتوبوس انجام می‌دهیم چیست؟

۲- بلیت اتوبوس را از کجا باید تهیه کنیم؟

۳- برای سوار شدن به اتوبوس کجا باید بایستیم؟

۴- رضا و علی در راه بازگشت با چه وسیله‌ای به خانه برگشتند؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

خیابان - به نوبت - عیادت

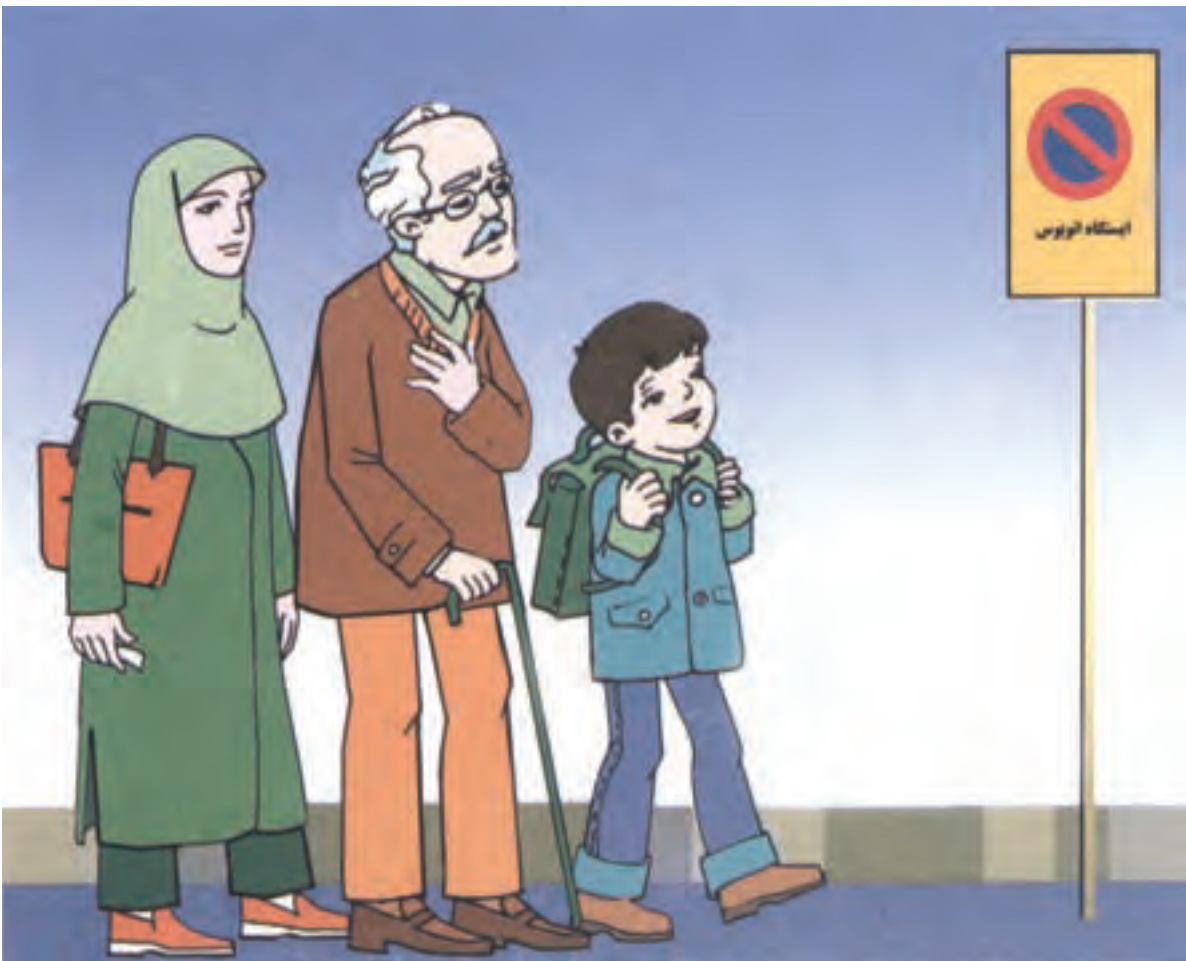
- علی و رضا ..... سوار اتوبوس شدند.

- علی و رضا نام ..... خود را به راننده‌ی تاکسی گفتند.

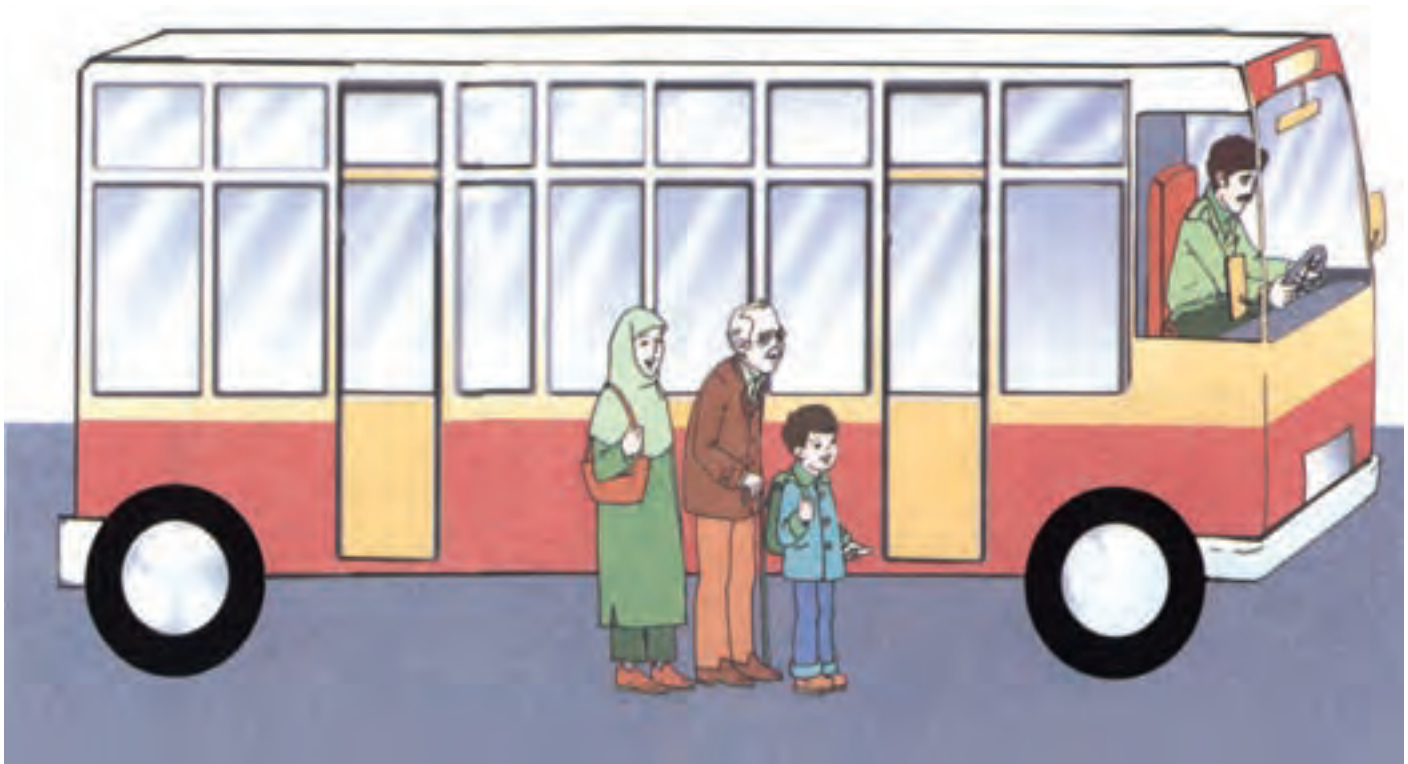
- علی و رضا از این که به ..... دوست خود رفته بودند، خوش حال بودند.



۱



۲



۲



۲





کدام تصویر رفتار مناسب در صف اتوبوس را نشان می دهد.



## فکر کنید

آیا تا به حال فکر کرده‌ای چرا صندلی بعضی از اتوبوس‌ها پاره

شده است؟



## تمرین

– با آموزگار خود سوار اتوبوس شوید.

– آدرس محلّ زندگی خود را به طور کامل بنویسید.



## مواظب باشید

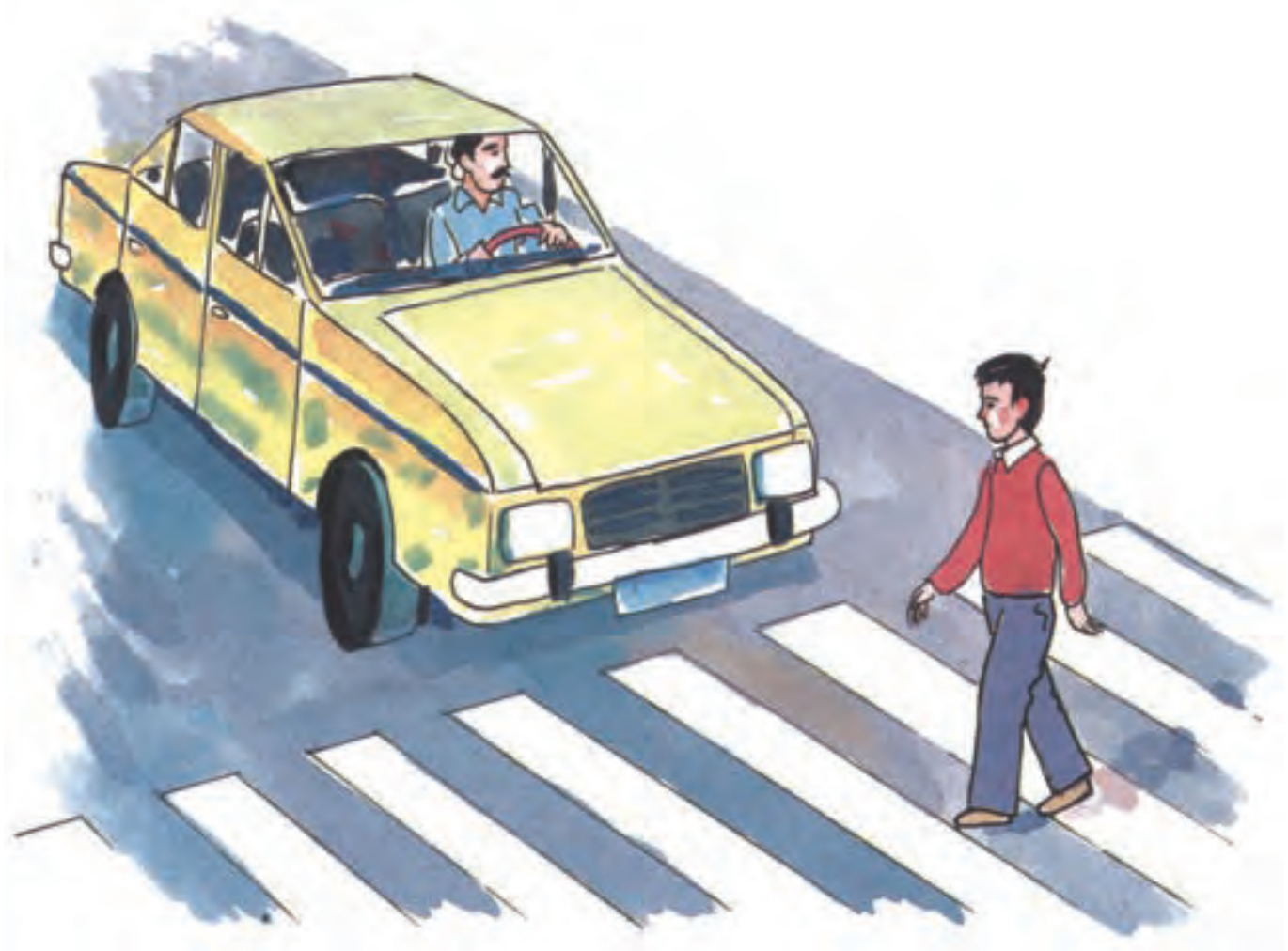


همیشه در پیاده‌رو راه بروید.





در کوچه و خیابان بازی نکنید.



برای عبور از خیابان از محلّ خط کشی شده عبور کنید.





همیشه از در سمت راست اتومبیل پیاده شوید.





برای عبور از خیابان به این تابلو توجه کنید.



این تابلو محلّ عبور دانش آموزان و کودکان را به ما نشان می دهد.



هر جا که این تابلو را دیدید.  
دوچرخه سواری نکنید.



این علامت خطر است مواظب باشید.

### نکته

تصویرهای بالا مقرّرات راهنمایی و رانندگی را نشان می دهد. ما باید به مقرّرات راهنمایی و رانندگی احترام بگذاریم.



- ۱- آیا درست است به جای پیاده‌رو در خیابان راه برویم؟
- ۲- آیا می‌توان در کوچه و خیابان بازی کرد؟
- ۳- برای عبور از خیابان باید از کدام قسمت خیابان عبور کنیم؟
- ۴- همیشه باید از کدام سمت اتومبیل پیاده یا سوار شویم؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

پیاده‌رو - خط کشی شده - راست

- همیشه باید از در سمت ..... اتومبیل پیاده شوید.

- برای عبور از خیابان همیشه باید از محلّ ..... عبور کنیم.

- همیشه باید در ..... راه بروید.

به تصویرهای زیر دقت کنید و هر تابلو را به نوشته‌ی مربوط به خود وصل کنید.



عبور دوچرخه ممنوع



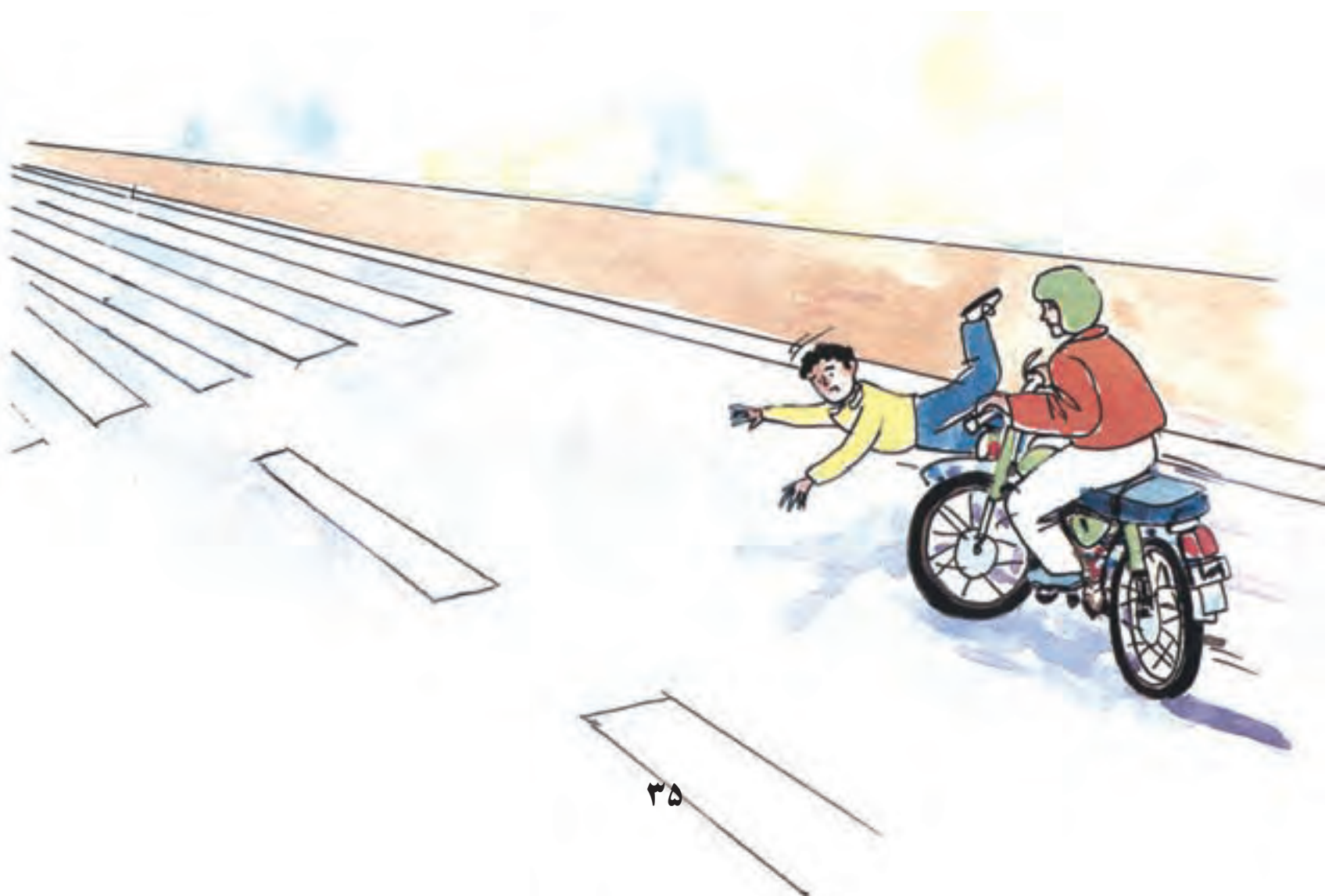
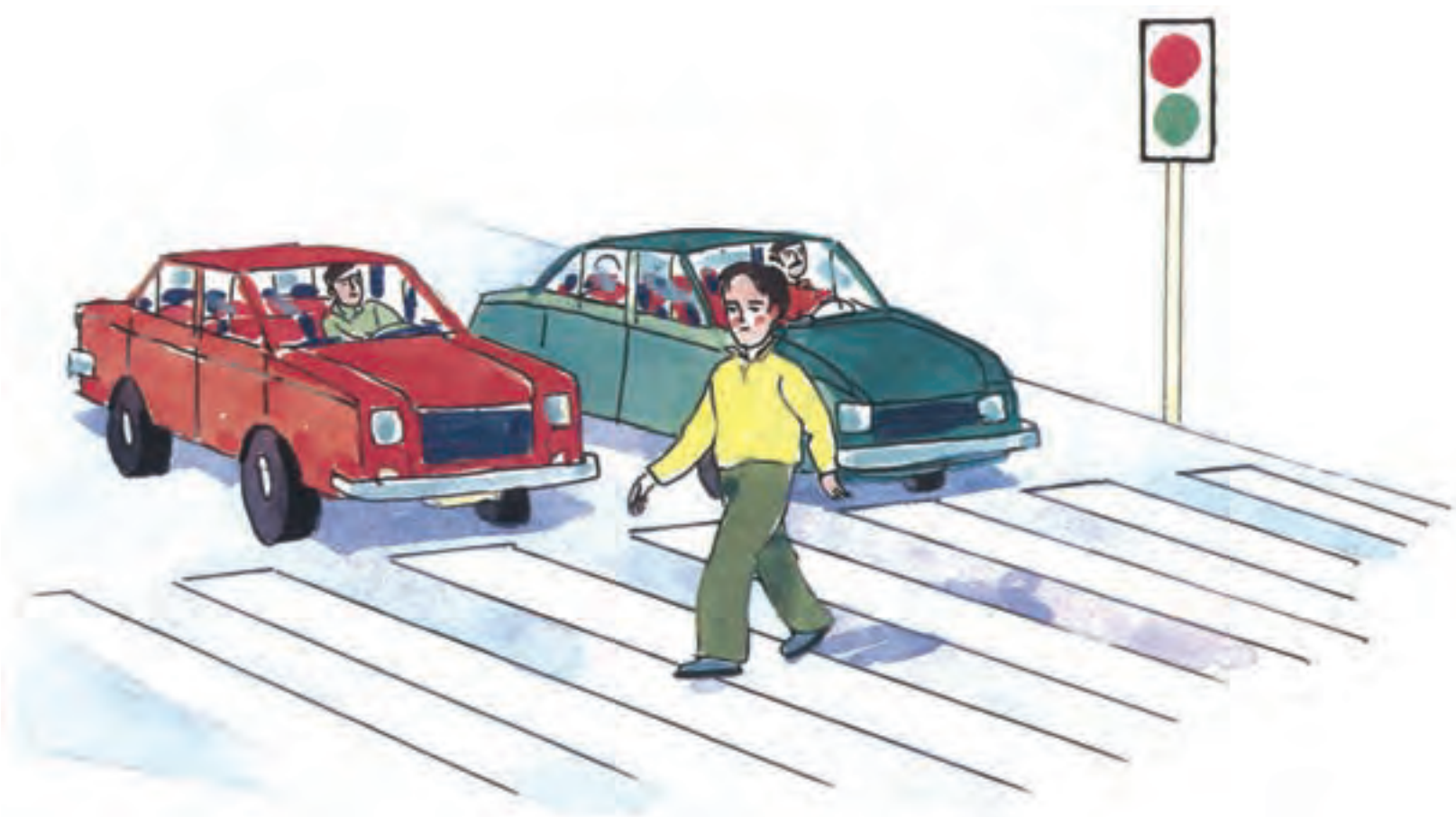
محلّ عبور اطفال



خطر



محلّ عبور عابر پیاده







## فکر کنید

بگویید اگر در حال حرکت در کوچه و خیابان سر به هوا و بی دقت

باشیم، چه می شود؟



## تمرین

با کمک آموزگار خود به وسیله ی کاغذ رنگی و مقوّا یکی از تابلوهای راهنمایی درس

را درست کنید.

## رفتگر محله‌ی ما

صبح زود برای خواندن نماز از خواب بیدار شدم. صدای خش خش برگ‌ها را شنیدم. از پنجره به کوچه نگاه کردم. مردی در حال جارو کردن کوچه بود. آن مرد زحمت‌کش پدرِ دوستم امیر بود. او لباس مخصوص به تن داشت، کوچه و محله‌ی ما را تمیز می‌کرد. از خود پرسیدم چگونه می‌توانم به او کمک کنم؟ در این فکر بودم که پدرم را در کنار خود دیدم.



به پدرم گفتم: این مرد، پدر دوستم امیر است.  
او رفتگر محله است و کوچه و خیابان ما را پاکیزه می‌کند.  
پدر گفت: بله پسر، او مرد زحمت‌کش و مهربانی است.  
ما باید به او کمک کنیم. برای کمک به او می‌توانیم آشغال و زباله‌ها را در کوچه و  
خیابان نریزیم. هر روز زباله‌ها را در کیسه‌ی مخصوص زباله جمع کنیم و به موقع در کوچه،  
کنار در خانه بگذاریم.

من به پدر گفتم: پس امشب من کیسه‌ی زباله را به کوچه می‌برم.  
سپس از خانه بیرون رفتم و از رفتگر مهربان تشکر کردم.





## نکته

ای کودک عزیز، کاغذ را دور نریز، کاغذ زباله نیست.

## پرسش



- ۱- چه کسی کوچه و محله‌ها را تمیز می‌کند؟
- ۲- چگونه می‌توانیم به رفتگر محله‌ی خود کمک کنیم؟

با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.

مخصوص - احترام - به موقع

- ما باید به رفتگر محله ..... بگذاریم.
- ما باید هر شب کیسه‌ی زباله را ..... در کوچه بگذاریم.
- زباله‌ها را باید در کیسه‌ی ..... زباله جمع کنیم.

## تمرین



- امشب به موقع کیسه‌ی زباله را بیرون از خانه ببرید.
- شما می‌توانید برای کمک به خانواده‌ی خود همیشه این کار را انجام بدهید.



به تصویر رو به رو نگاه کنید و  
به سؤال پاسخ دهید.

چرا رفتگر زباله‌های این خانه  
را نبرده است؟



**فکر کنید**

آیا تا به حال فکر کرده‌اید اگر یک روز رفتگر به محله‌ی شما

نیاید چه می‌شود؟

## شغلی که من دوست دارم

من دوست دارم یک خیاط باشم.

در محله‌ی ما، اصغر آقا یک مغازه‌ی خیاطی دارد. من هر وقت از آن جا می‌گذرم، از پشت شیشه به داخل مغازه نگاه می‌کنم. اصغر آقا همیشه مشغول بریدن و دوختن پارچه‌های رنگارنگ است.

مردم این پارچه‌ها را برای دوختن لباس به آن جا می‌آورند.

یک روز نزدیک سال نو پدرم برایم یک پارچه خرید. ما برای دوختن آن به مغازه‌ی اصغر آقا رفتیم. وقتی وارد مغازه شدیم من با کنجکاوی به اطراف نگاه کردم.





اصغر آقا پارچه‌ای را روی میز پهن کرده بود. او با قیچی بزرگی مشغول بریدن آن بود. یک چرخ خیاطی هم در گوشه‌ای از مغازه بود. کت و شلوار و پیراهن‌های زیبایی در مغازه دیده می‌شد که اصغر آقا آن‌ها را دوخته بود.

اصغر آقا با متر اندازه‌های من را گرفت. او گفت: هفته‌ی آینده لباس شما آماده است. پدرم به اصغر آقا گفت: پسر من به خیاطی علاقه‌ی زیادی دارد. او دوست دارد خیاط شود. اصغر آقا لبخندی زد و گفت: پسر من، یک خیاط باید دقت زیادی داشته باشد، تا کار خود را خوب انجام دهد.



## نکته

دوختن یک لباس زحمت و خرج زیادی دارد. باید مراقب باشیم که لباس خود را پاره و کثیف نکنیم.

## پرسش



- ۱- شغل اصغر آقا چیست؟
- ۲- اصغر آقا با پارچه‌هایی که مشتری‌ها می‌آورند چه می‌دوزد؟
- ۳- در مغازه‌ی خیاطی اصغر آقا چه چیزهایی وجود دارد؟
- ۴- کار یک خیاط چیست؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

دوخته – دقت – حوصله

- در کار خیاطی باید ..... و ..... زیادی داشته باشید.
- پیراهن‌های زیبایی در مغازه دیده می‌شد که اصغر آقا آن‌ها را ..... بود.

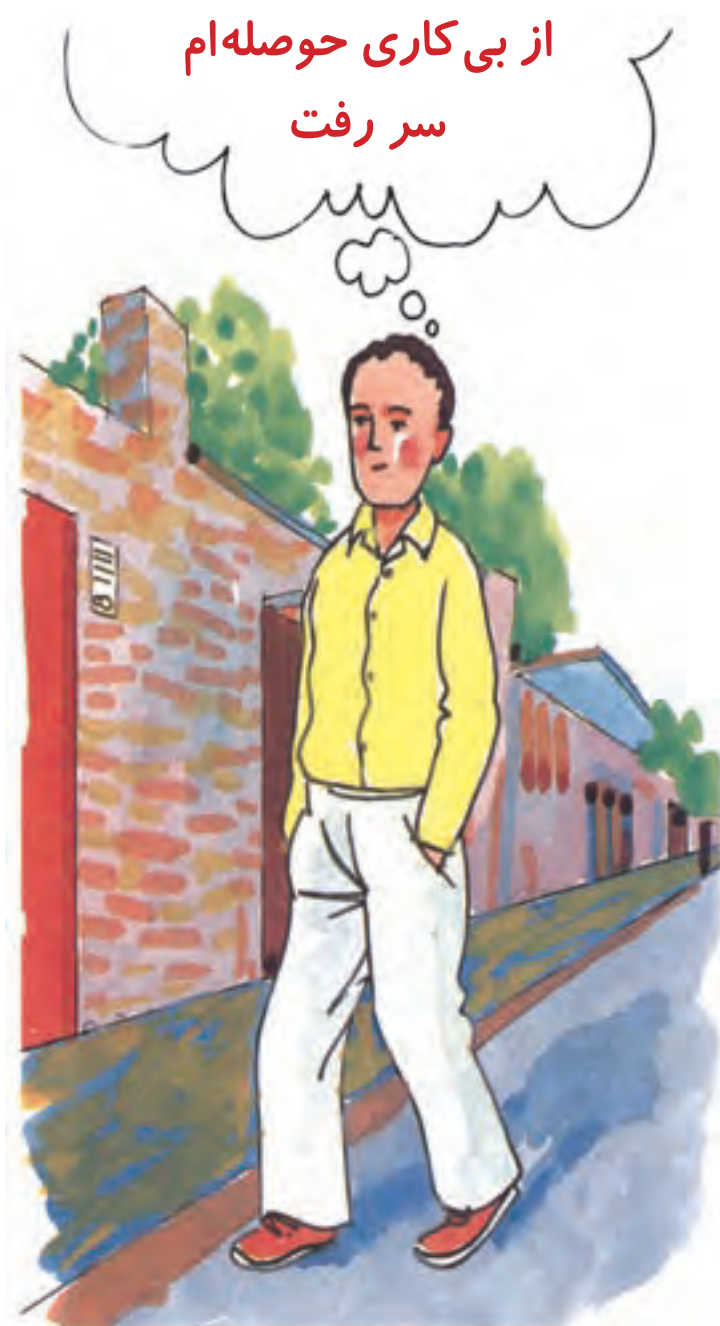
## تمرین



- به همراه آموزگار خود به یک مغازه‌ی خیاطی بروید و کار خیاط را از نزدیک ببینید و چند جمله درباره‌ی کار خیاطی بنویسید.



## مقایسه کنید



به تصویرهای بالا با دقت نگاه کنید و بگویید کدام یک بهتر است؟

فکر کنید



بگویید دوست دارید در آینده چه کاره شوید؟



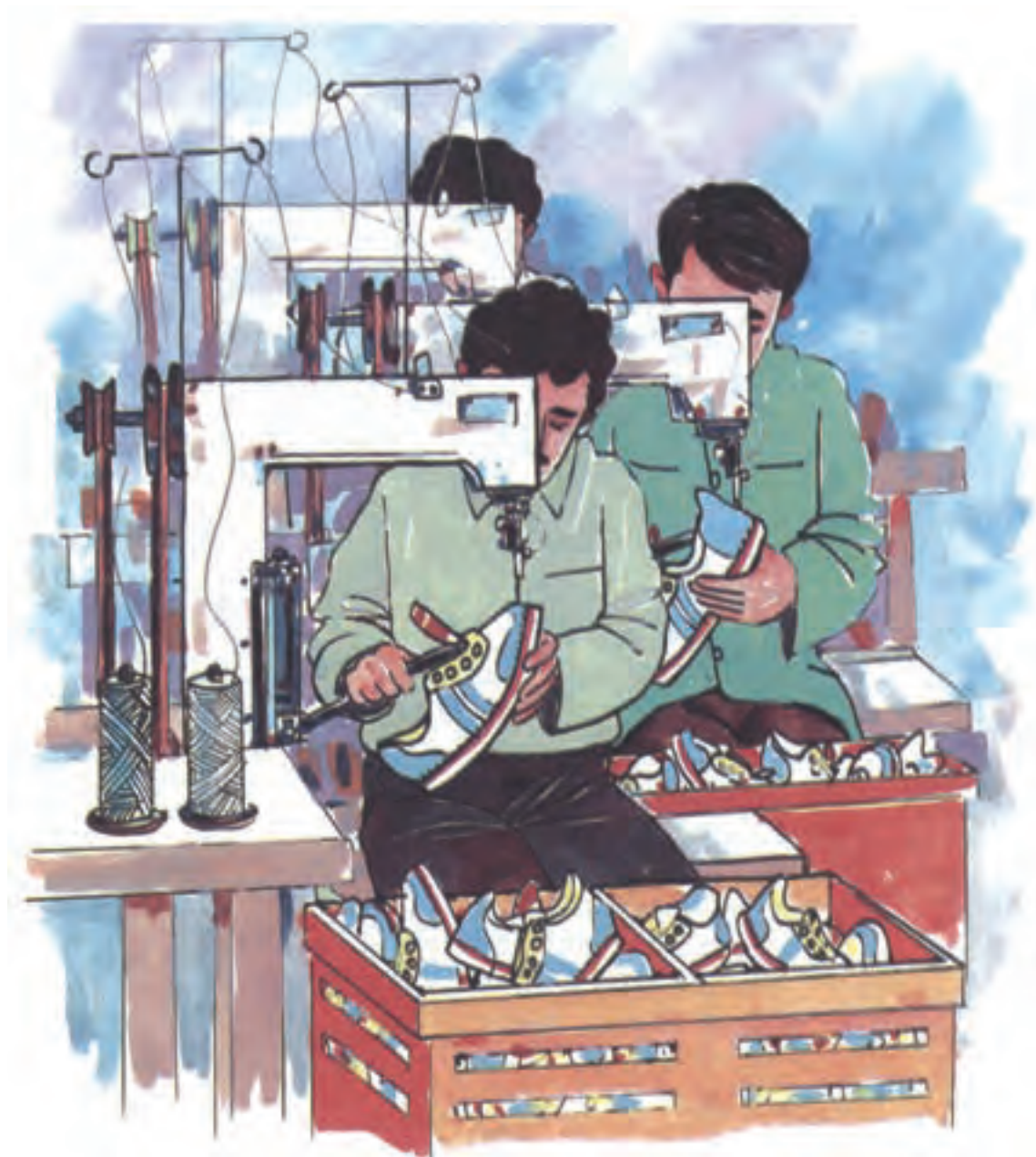
## کفّاش

پدر حسین به او قول داده بود. برایش یک جفت کفش بخرد.  
دوست پدر حسین کفّاش بود. آن‌ها به کارگاه کفّاشی او رفتند.  
حسین از آقای کفّاش پرسید: شما از چه وسایلی برای دوختن کفش استفاده می‌کنید؟  
آقای کفّاش گفت: برای دوختن کفش از چرم، میخ و چرخ دوخت استفاده می‌کنم.  
بعضی از کفش‌ها هم در کارخانه دوخته می‌شود.

آقای کفّاش از حسین پرسید: چه نوع کفشی می‌خواهی؟  
حسین گفت: کفشی می‌خواهم که برای مدرسه مناسب باشد.



بعد از خریدن کفش ، حسین با خود فکر کرد که کفّاشی شغل خوبی است.  
او از پدر پرسید : آیا می توانم تابستان به این کارگاه بیایم و کفّاشی یاد بگیرم؟  
پدر گفت : بله پسرم، کفّاشی شغل خوبی است. کفّاش با دوختن کفش های راحت و  
بادوام به مردم خدمت می کند.



**کلمه ها و ترکیب های تازه**

کفش بادوام : کفشی که دیر پاره شود



## نکته

برای دوختن بعضی از کفش‌ها از چرم استفاده می‌شود.  
چرم از پوست گاو به دست می‌آید.



## پرسش

- ۱- کفش‌های شما را چه کسی تهیه کرده است؟
- ۲- کفّاش در کجا کفش می‌دوزد؟
- ۳- کفّاش برای دوختن کفش از چه وسایلی استفاده می‌کند؟
- ۴- کفّاش چگونه به مردم خدمت می‌کند؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

ورزشی – کارخانه

بعضی از کفش‌ها در ..... دوخته می‌شود.  
برای ورزش و بازی، باید کفش ..... بپوشیم.



## تمرین

– به همراه آموزگار خود به یک کارگاه کفّاشی بروید و از نزدیک کار کفّاش را

بینید.



## مقایسه کنید



به تصویرهای بالا با دقت نگاه کنید و بگویید کار کدام یک از پسرها درست است؟

## فکر کنید



— آیا می‌دانید با چرم چه چیزهای دیگری می‌دوزند؟

## مشاوره مدرسه

بچه‌ها در حیاط مدرسه مشغول بازی و گفتگو بودند. مشاور مدرسه از پشت پنجره به آن‌ها نگاه می‌کرد. مریم تنها و ناراحت در گوشه‌ی حیاط ایستاده بود. خانم مشاور به حیاط رفت و مریم را به اتاق مشاوره برد. خانم مشاور علت ناراحتی مریم را از او پرسید. مریم در مورد مشکل خود با او صحبت کرد. خانم مشاور به مریم کمک کرد تا مشکل خود را حل کند. بچه‌ها، آیا می‌دانید کار مشاور در مدرسه چیست؟





یکی از افرادی که در مدرسه برای دانش آموزان زحمت می کشد، مشاور مدرسه است. مشاور، دانش آموزانی را که در بعضی از درس ها ضعیف هستند، **راهنمایی** می کند تا بتوانند بهتر درس بخوانند. اگر برای دانش آموزان مشکلی پیش بیاید، می توانند با مشاور مدرسه درباره ی آن صحبت کنند.

شما هم می توانید برای حلّ مشکل خود از مشاور راهنمایی بخواهید.





## نکته

بچه‌ها مشکلات خود را به افراد غریبه نگویند.



## پرسش

- ۱- مشاور مدرسه وقتی مریم را تنها و ناراحت دید، چه کرد؟
- ۲- اگر برای دانش‌آموزان در خانه یا مدرسه مشکلی پیش بیاید از چه کسی کمک می‌گیرند؟
- ۳- در مدرسه‌ی شما چه کسانی کار می‌کنند؟
- ۴- آیا شما در مدرسه‌ی خود مشاور دارید؟
- ۵- اگر در خانه برای شما مشکلی پیش بیاید، با چه کسی می‌توانید صحبت کنید؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

مشاور - راهنمایی

- برای حل مشکلات خود از مشاور ..... بخواهید.
- اگر برای دانش‌آموزی مشکلی پیش بیاید ..... به او کمک می‌کند.



## تمرین

- به همراه آموزگار از اتاق مشاور دیدن کنید و با او گفتگو کنید.

## نقشه‌ی ایران

حسین در امتحانات نوبت اوّل نمره‌های خوبی گرفته بود. وقتی پدر به خانه آمد، هدیه‌ای برای او آورده بود. حسین خوشحال شد. هدیه خود را باز کرد و با تعجب به آن نگاه کرد.

او از پدر پرسید: این چیست؟  
پدر گفت: این تصویر کوچکی از کشور ما ایران است. ما به این تصویر نقشه می‌گوییم.



حسین پرسید : نقشه چه فایده‌ای برای ما دارد.

پدر گفت : پسر من تو می‌دانی کشوری که ما در آن زندگی می‌کنیم ایران نام دارد. ایران کشور بزرگی است. ایران شهرها و روستاهای زیادی دارد. ما می‌توانیم شهر و روستایی را که در آن زندگی می‌کنیم روی نقشه پیدا کنیم.

سپس پدر پرسید : آیا می‌توانی شهر تهران را روی نقشه پیدا کنی؟

حسین با دقت به نقشه نگاه کرد او شهر تهران را روی نقشه به پدر نشان داد.

پدر گفت : بزرگ‌ترین شهر ایران تهران است.

شهر تهران مرکز ایران است.

ما می‌توانیم با کمک نقشه، ایران را بهتر بشناسیم.

### نکته

زبان مردم کشور ایران فارسی است. اما در بعضی از شهرها مردم به زبان مخصوص خود صحبت می‌کنند. مانند زبان کردی و ترکی.





## پرسش

- ۱- پدر برای حسین چه هدیه‌ای خرید؟
- ۲- از نقشه چه استفاده‌ای می‌کنیم؟
- ۳- کشوری که در آن زندگی می‌کنید چه نام دارد؟
- ۴- مرکز کشور ایران چه شهری است؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

شهرها - روستاهای - بزرگی - تهران

- ایران کشور ..... است.
- ایران ..... و ..... زیادی دارد.
- بزرگ‌ترین شهر ایران ..... است.



## تمرین

نقطه چین‌ها را به هم وصل کنید و شکل  
به دست آمده را رنگ کنید.



— حالا بگویید شکل بالا تصویر چیست؟



## فکر کنید

بگویید آیا در شهر شما مردم به زبان مخصوصی صحبت می‌کنند؟

## سفر به قم (۱)

بهمن ماه بود؛ ماه پیروزی انقلاب اسلامی. در مدرسه‌ی ماقرار بود تعدادی از دانش آموزان برای اردو به شهر قم بروند. در حیاط مدرسه، بچه‌ها دور آقای محمدی، معلّم کلاس چهارم جمع شده بودند. او درباره‌ی روزهای خوب انقلاب صحبت می‌کرد.





آقای محمدی گفت: بچه‌ها سال‌ها پیش، شاه ستمگری در ایران زندگی می‌کرد. او به مردم ظلم می‌کرد. شاه با پول مردم برای خود و خانواده‌اش خانه‌های بزرگ می‌ساخت. بیشتر مردم خوراک، پوشاک و زندگی راحت نداشتند.

در آن زمان مرد بزرگی به نام امام خمینی به کمک مردم آمد.

او می‌خواست مردم را از ظلم شاه نجات دهد. امام خمینی سال‌ها در ایران نبود. مردم می‌خواستند او به ایران برگردد تا مردم را راهنمایی کند. آن‌ها در شهرها و روستاهای ایران، راه‌پیمایی کردند تا شاه را از کشور بیرون کنند. شاه مجبور شد از ایران برود.

در روز ۱۲ بهمن امام خمینی به ایران بازگشت. مردم بسیار خوش حال شدند. انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ پیروز شد.

از ۱۲ بهمن تا ۲۲ بهمن را دهه‌ی فجر می‌گوییم. و هر سال این روزهای بزرگ را جشن می‌گیریم.

بعد از صحبت‌های آقای محمدی همگی به ایستگاه راه‌آهن رفتیم.

سپس همراه آموزگار خود سوار قطار شدیم و به طرف قُم حرکت کردیم.

### نکته

دین ما اسلام است. مردم ایران مسلمان هستند.

ما با انقلاب اسلامی دین خود را زنده نگه داشتیم.



## پرسش

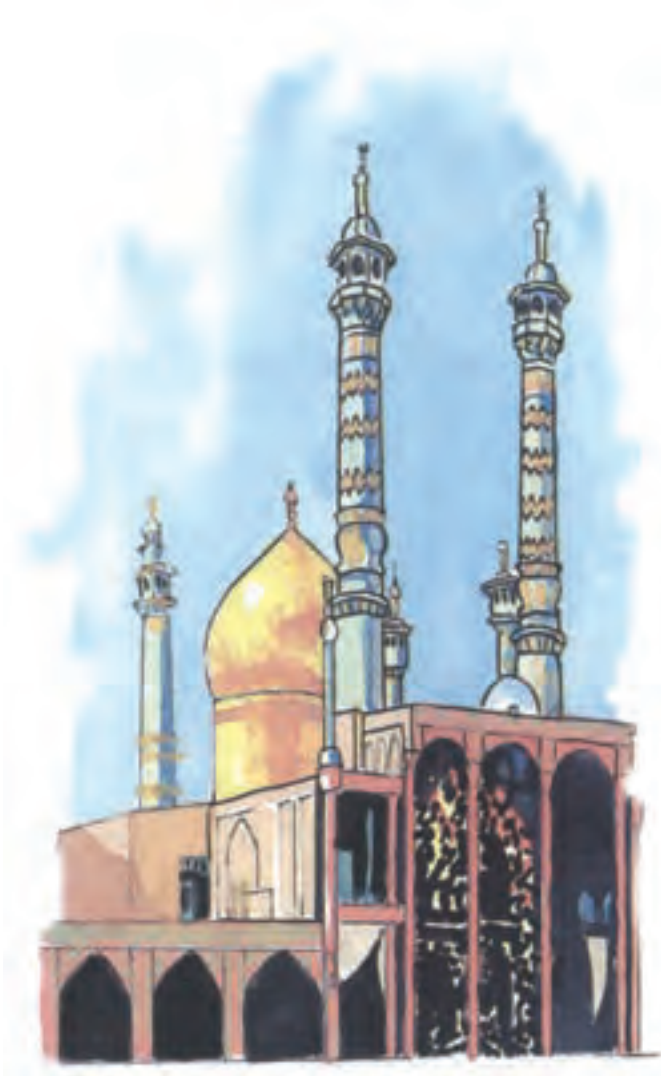
- ۱- بچه‌ها قرار بود به چه شهری بروند؟
- ۲- امام خمینی در چه روزی به ایران بازگشت؟
- ۳- انقلاب اسلامی در چه روزی به پیروزی رسید؟
- ۴- شاه با پول مردم چه می‌کرد؟
- ۵- قبل از انقلاب زندگی مردم چگونه بود؟
- ۶- مردم برای بیرون کردن شاه از کشور چه کردند؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

دهه‌ی فجر – ظلم و ستم

- ۱- سال‌ها پیش مردم مسلمان ایران از ..... شاه بسیار ناراحت بودند.
- ۲- از ۱۲ بهمن تا ۲۲ بهمن را ..... می‌گوییم.

## سفر به قم (۲)



حرم حضرت معصومه (س) خواهر امام رضا (ع)

قطار با سرعت به طرف قم حرکت می کرد.  
من و رضا از پنجره بیرون را نگاه می کردیم.  
ما یک گله ی گوسفند را دیدیم. پسرک  
چوپان مواظب گوسفندان بود. او از دور برای  
مسافران دست تکان داد. چوپان به قطار نزدیک  
نمی شد. او می دانست که نزدیک شدن به ریل  
راه آهن کار خطرناکی است.



نزدیک شهر قم روی تابلویی نوشته شده بود: به شهر خون و قیام خوش آمدید. با دیدن  
تابلو، آقای محمدی گفت: انقلاب اسلامی ایران از شهر قم شروع شد. نزدیک ظهر به قم  
رسیدیم.



همگی از قطار پیاده شدیم و با یک مینی‌بوس به طرف **حرم حضرت معصومه (س)** حرکت کردیم.

آقای محمّدی گفت: حضرت معصومه خواهر امام رضا (ع) است. مردم از همه جای ایران برای زیارت به این شهر می‌آیند.

صدای اذان ظهر به گوش می‌رسید. ما در حرم نماز خواندیم و زیارت کردیم. بعد از زیارت به بازار رفتیم و مقداری سوهان خریدیم سوهان معروف‌ترین سوغات شهر قم است.

هنگام غروب به ایستگاه راه‌آهن رفتیم و با قطار به تهران بازگشتیم. در این سفر به ما خیلی خوش گذشت و چیزهای زیادی یاد گرفتیم.

### نکته

کشاورزی در زمین‌های اطراف قم مشکل است. چون هوای قم گرم و آب آن شور است.



## تمرین

- ۱- چرا چوپان به قطار نزدیک نمی شد؟
- ۲- نزدیک شهر قم، روی تابلو چه نوشته شده بود؟
- ۳- انقلاب اسلامی ایران از چه شهری شروع شد؟
- ۴- مردم برای زیارت چه کسی به شهر قم می روند؟
- ۵- معروف ترین سوغات شهر قم چیست؟



## تمرین

– همراه با آموزگار خود به یکی از زیارتگاه های شهر بروید و درباره ی آن جا چند جمله بنویسید و در کلاس بخوانید.



دقت کنید: وقتی قطار حرکت می کند به آن نزدیک نشوید. روی ریل راه آهن بازی نکنید.



سنگ زدن به شیشه های قطار کار درستی نیست. چون باعث زخمی شدن مسافرها و شکسته شدن شیشه های قطار می شود.



## مقایسه کنید



با دقت به تصویرهای بالا نگاه کنید و بگویید کار کدام گروه از مسافران درست است؟

فکر کنید



بگویید اگر مسافران در قطار زباله‌های خود را روی کف قطار

بریزند، چه می‌شود؟

## دهه‌ی فجر

هر سال در مدرسه‌ی دانش دهه‌ی فجر را جشن می‌گیرند. امسال هم مربّی پرورشی، تعدادی از بچه‌ها را برای برنامه‌های دهه‌ی فجر انتخاب کرد. رضا برای گروه روزنامه‌ی دیواری انتخاب شد. در این گروه، قرار شد رضا عکس‌هایی در مورد پیروزی انقلاب اسلامی تهیه کند، حمید مقوّا بیاورد، و اکبر قسمتی از روزنامه را آماده کند.



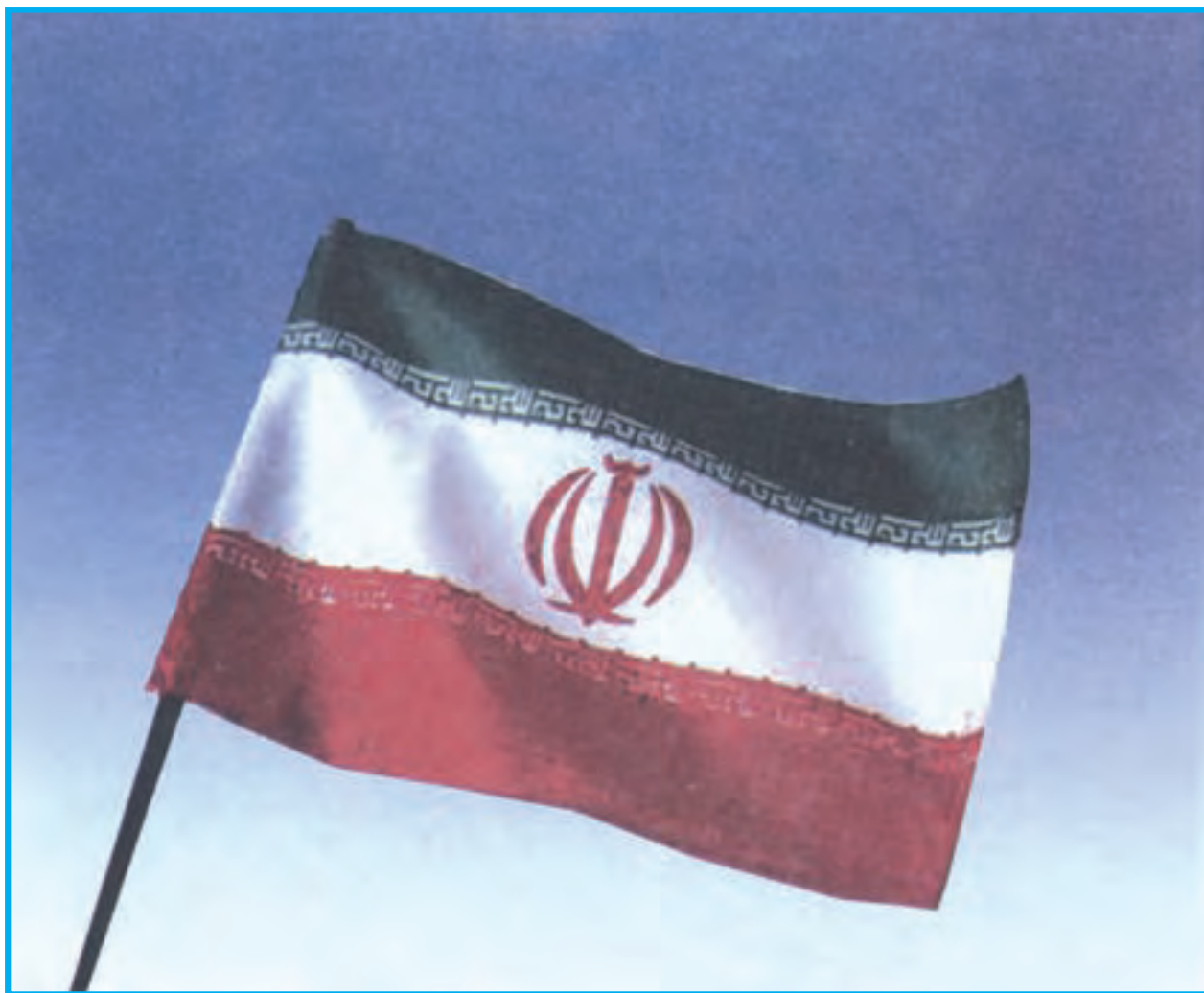


آن‌ها با کمک هم روزنامه‌ی دیواری درست کردند و آن را به دیوار زدند.  
جشن‌های دهه‌ی فجر شروع شد. در شروع جشن دو نفر از دانش‌آموزان پرچم جمهوری  
اسلامی را به سالن آوردند.

سه رنگ سبز و سفید و قرمز پرچم در زیر نور چراغ‌ها می‌درخشید.  
علامت جمهوری اسلامی ایران در وسط پرچم پیدا بود.  
گروه سرود برای بچه‌ها سرود جمهوری اسلامی را خواندند.  
بچه‌های گروه نمایش هم برنامه‌های خود را اجرا کردند.  
در آن روزها بچه‌ها توانستند با **همکاری** یکدیگر برنامه‌های زیبایی اجرا کنند.  
مربی پرورشی از همکاری بچه‌ها راضی بود و آن‌ها را تشویق کرد.







## نکته

هر کشور دارای یک پرچم مخصوص می باشد.



- ۱- برای تهیه کردن یک روزنامه‌ی دیواری چه چیزهایی لازم است؟
- ۲- رضا برای چه گروهی انتخاب شد؟
- ۳- پرچم جمهوری اسلامی ایران چند رنگ دارد؟
- ۴- چرا مربی پرورشی بچه‌ها را تشویق کرد؟

با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.

همکاری - روزنامه‌ی دیواری - دهه‌ی فجر

- در آن روز بچه‌ها توانستند با ..... یکدیگر برنامه‌های بسیار زیبایی

اجرا کنند.

- آن‌ها همگی با کمک هم ..... زیبایی درست کردند.

- هر سال در مدرسه‌ی دانش ..... را جشن می‌گیرند.

## تمرین



– با کمک آموزگار خود یک روزنامه‌ی دیواری تهیه کنید.

## فکر کنید



بگو در مدرسه با دوستانت در چه کارهایی همکاری می‌کنی؟



## سفر به شیراز (۱)

اسفند ماه بود. امتحانات بچه‌ها تمام شده بود. سارا و سعید مشغول جمع‌آوری وسایل خود برای سفر بودند. آن‌ها می‌خواستند برای تعطیلات نوروز به خانه‌ی عمو رضا در شیراز بروند.



حرم شاه چراغ (ع) برادر امام رضا (ع) در شهر شیراز

مادر به بچه‌ها گفت: دقت کنید چیزی را فراموش نکنید. یادتان باشد لباس و جوراب اضافی برای خود بردارید.

سارا از سعید پرسید: مسواک، خمیر دندان و حوله‌ات را برداشته‌ای؟  
سعید گفت: بله، من چند کتاب هم برای مطالعه همراه خود می‌آورم.  
بچه‌ها وسایل را آماده کردند و در چمدان گذاشتند.

پدر به بچه‌ها گفت: فاصله‌ی شیراز تا تهران بسیار زیاد است. ما باید فردا صبح زود به طرف شیراز حرکت کنیم. پس بهتر است امشب زودتر بخوابیم. صبح روز بعد آن‌ها به طرف شیراز حرکت کردند.

### نکته

در هنگام سفر، از بیابان‌ها، جنگل‌ها و رودخانه‌ها می‌گذریم، سعی کنیم آن‌جا را پاکیزه نگه داریم.

### پرسش



- ۱- خانواده‌ی احمدی برای تعطیلات نوروز به کجا رفتند؟
- ۲- سارا و سعید برای سفر چه وسایلی برای خود برداشتند؟
- ۳- چرا شب قبل از سفر بچه‌ها زودتر خوابیدند؟

## سفر به شیراز (۲)



دروازه قرآن در شهر شیراز

هوا تاریک شده بود. پدر به بچه‌ها گفت تا نیم ساعت دیگر به شیراز می‌رسیم. در نزدیکی شهر شیراز چراغ‌های رنگی زیبایی دیدیم. کم‌کم دروازه قرآن از دور پیدا شد. مادر گفت: **دروازه قرآن** یکی از آثار تاریخی شهر شیراز است. بچه‌ها خیابان‌های شهر را تماشا می‌کردند که به خانه‌ی عمورضا رسیدند. عمورضا و خانواده‌اش منتظر آن‌ها بودند و از دیدن مهمان‌های خود خوش حال شدند. صبح روز بعد همگی برای گردش در شهر از خانه خارج شدند. عمو رضا گفت: شیراز جاهای دیدنی زیادی دارد. ما امروز به زیارت **شاه چراغ**، برادر امام‌رضا (ع) می‌رویم و بعد از آرامگاه **حافظ** و **سعدی** که از شاعران بزرگ ایران هستند دیدن می‌کنیم.



آرامگاه حافظ در شهر شیراز



آرامگاه سعدی در شهر شیراز



سعید پرسید: عمو جان، چه وقت به دیدن تخت جمشید می‌رویم؟  
پدر گفت: تخت‌جمشید از شیراز دور است. باید یک روز صبح زود به آن‌جا برویم.  
فردای آن روز آن‌ها به دیدن **تخت جمشید** رفتند. تخت جمشید یک کاخ قدیمی و  
بزرگ است که سال‌ها قبل پادشاهان ایران در آن زندگی می‌کردند. روز دیگر آن‌ها به  
**باغ ارم** رفتند. بوی عطر گل‌ها و شکوفه‌های نارنج همه‌جا را پر کرده بود.



تخت جمشید در اطراف شهر شیراز



باغ اَرم در شهر شیراز

مادر گفت: از این گل‌ها و شکوفه‌ها دارو و عرق‌های گیاهی تهیّه می‌کنند. عرق این گل‌ها برای درمان بسیاری از بیماری‌ها مفید است. سوغات شهر شیراز، عرق گل‌ها و آب‌لیمو است.



بازار وکیل در شهر شیراز

آن‌ها بعد از تماشای باغ ارم برای خرید به **بازار وکیل** رفتند. بازار وکیل خیلی تماشایی بود. در این سفر به خانواده‌ی احمدی خیلی خوش گذشت. بچه‌ها با خاطرات خوشی به تهران بازگشتند.



## نکته

در اطراف شهر شیراز مردم به کار دامداری مشغول هستند.

## پرسش



۱- نام دو شاعر بزرگ ایرانی را که آرامگاه آنان در شیراز است نام ببرید.

۲- سوغات شهر شیراز را نام ببرید.

۳- ۳ مورد از جاهای دیدنی شیراز را نام ببرید.

با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.

دروازه قرآن – شاه چراغ

– ما امروز به زیارت ..... برادر امام رضا رفتیم.

– در نزدیکی شهر ..... که یکی از آثار تاریخی شیراز است به

چشم می خورد.

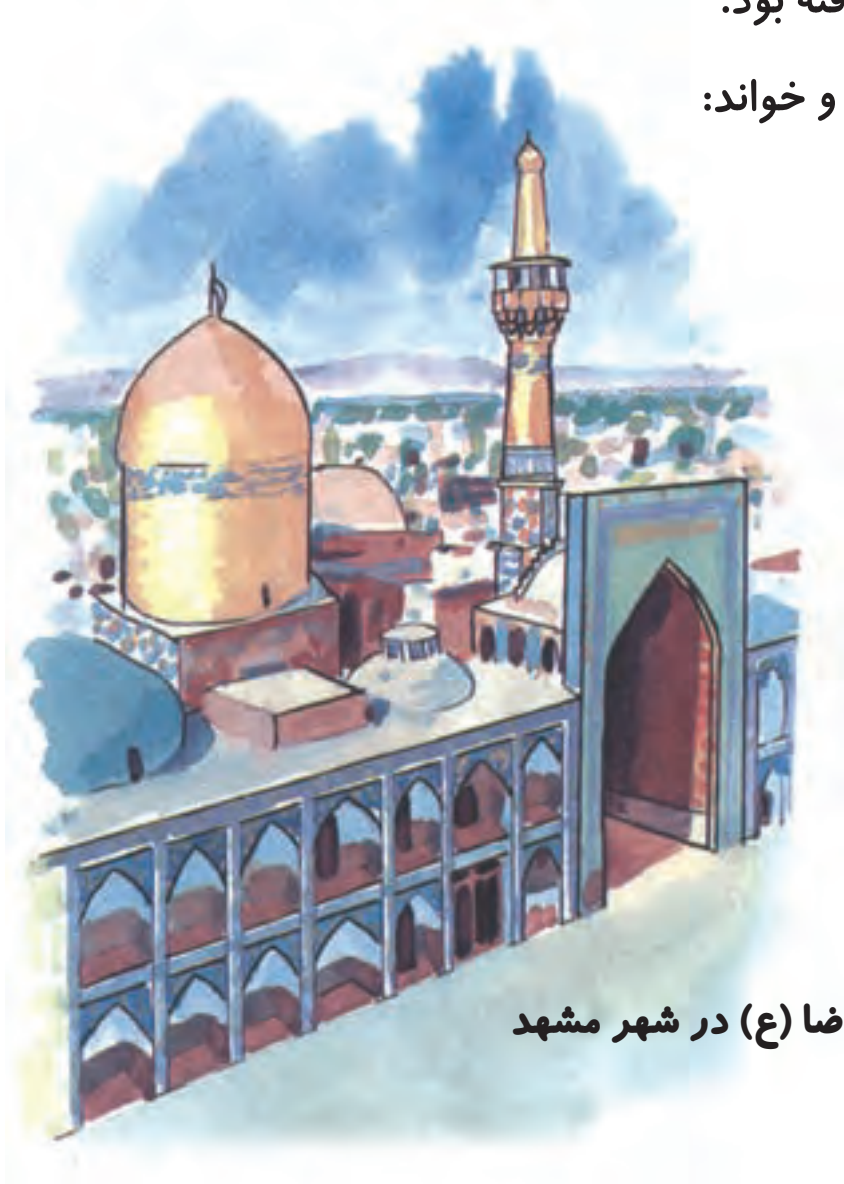


**فکر کنید**

جاهای دیدنی شهر خود را نام ببر.

## نامه‌ای از مشهد

امروز نامه‌رسان یک نامه برای زهره آورد. نامه از طرف دوست او مینا بود. مینا با خانواده‌ی خود برای زندگی به مشهد رفته بود. زهره با خوشحالی نامه را باز کرد و خواند:



حرم امام رضا (ع) در شهر مشهد

به نام خدا

دوست عزیزم زهره، سلام، امیدوارم که حالت خوب باشد. حال من و خانواده‌ام خوب است و از آمدن به شهر مشهد خوش حال هستیم. به تو قول داده بودم برایت در نامه از دیدنی‌های شهر مشهد بنویسم. مشهد شهر بزرگی است. **حرم حضرت رضا (ع)**، امام هشتم در این شهر است.



مردم از همه جای ایران برای زیارت به این شهر می‌آیند. در کنار حرم امام رضا (ع)، موزه و کتابخانه‌ی بزرگی است. در این موزه، چیزهای قدیمی و با ارزش مانند سگّه، اسلحه و فرش نگه‌داری می‌شود. آن‌ها خیلی زیبا و دیدنی هستند.

اگر روزی به مشهد بیایی با هم به طوس که در نزدیکی شهر مشهد است، می‌رویم. طوس **آرامگاه فردوسی**، شاعر بزرگ ایران است.

هوای مشهد در زمستان سرد و در تابستان گرم است.

در اطراف مشهد، کشاورزان از زمین‌های خود محصول‌های زیادی به دست می‌آورند که یکی از آن‌ها، زعفران است.

زعفران سوغات اصلی شهر مشهد است.

زهره جان، امیدوارم هر چه زودتر برای مسافرت به شهر مشهد بیایی و از نزدیک این شهر زیبا را ببینی.

به همه دوستان سلام من را برسان.

دوست تو، مینا

زهره از خواندن نامه‌ی مینا لذّت برد و آن را برای مادر خود خواند.

### نکته

ما به وسیله‌ی نامه می‌توانیم از حال یکدیگر با خبر شویم.

آرامگاه = قبر



آرامگاه فردوسی، شاعر بزرگ ایران در شهر طوس



موزه‌ی امام رضا (ع) در شهر مشهد

موزه : محلّ نگهداری وسایل قدیمی، مانند سکه، اسلحه و ظرف‌های گوناگون است.



## پرسش

- ۱- چه کسی نامه‌ها را به مقصد می‌رساند؟
- ۲- نامه‌ای که به زهره رسید از چه شهری بود؟
- ۳- آرامگاه کدام امام در شهر مشهد قرار دارد؟
- ۴- جاهای دیدنی شهر مشهد را نام ببرید؟
- ۵- هوای شهر مشهد چگونه است؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

فردوسی - قدیمی - زعفران

- در موزه چیزهای ..... و با ارزش نگه‌داری می‌شود.
- طوس آرامگاه ..... شاعر بزرگ ایران است.
- سوغات اصلی شهر مشهد ..... است.



## برنامه‌ای برای اوقات فراغت

بچه‌ها، به زودی سال تحصیلی به پایان می‌رسد و تعطیلات تابستانی شروع می‌شود.

می‌دانید که باید از تعطیلات خود به خوبی استفاده کنید.

هر یک از دوستان من می‌خواهند در تابستان کاری انجام دهند.

مجید می‌خواهد به همراه خانواده‌ی خود به مسافرت برود.

محل تشکیل  
کلاس‌های تابستانی



علی و امیر در یک کلاس ورزشی نام نویسی کرده‌اند.

رضا در یک کتاب‌خانه عضو شده است و تصمیم دارد برای کتاب‌خوانی به آن‌جا برود.

تعدادی از بچه‌ها هم به کلاس‌های قرآن و نقاشی می‌روند.

بعضی از بچه‌ها هم با خانواده‌ی خود به سینما، پارک و تماشای نمایش‌های عروسکی

می‌روند. آن‌ها از وقت خود به خوبی استفاده می‌کنند.

بچه‌ها شما برای گذراندن تعطیلات تابستان و اوقات فراغت خود چه فکری کرده‌اید؟







### نکته

وقت خیلی با ارزش است. نباید آن را هدر دهیم.





## پرسش

- ۱- مجید برای گذراندن تعطیلات خود چه برنامه‌ای دارد؟
- ۲- علی و امیر برای گذراندن تابستان، در چه کلاسی نام‌نویسی کرده‌اند؟
- ۳- رضا در تابستان برای کتاب‌خوانی، به کجا می‌رود؟
- ۴- شما در تابستان چه کارهایی می‌توانید انجام دهید؟

**با توجه به کلمه‌های زیر جاهای خالی را پر کنید.**

قرآن و نقاشی – برنامه‌ای

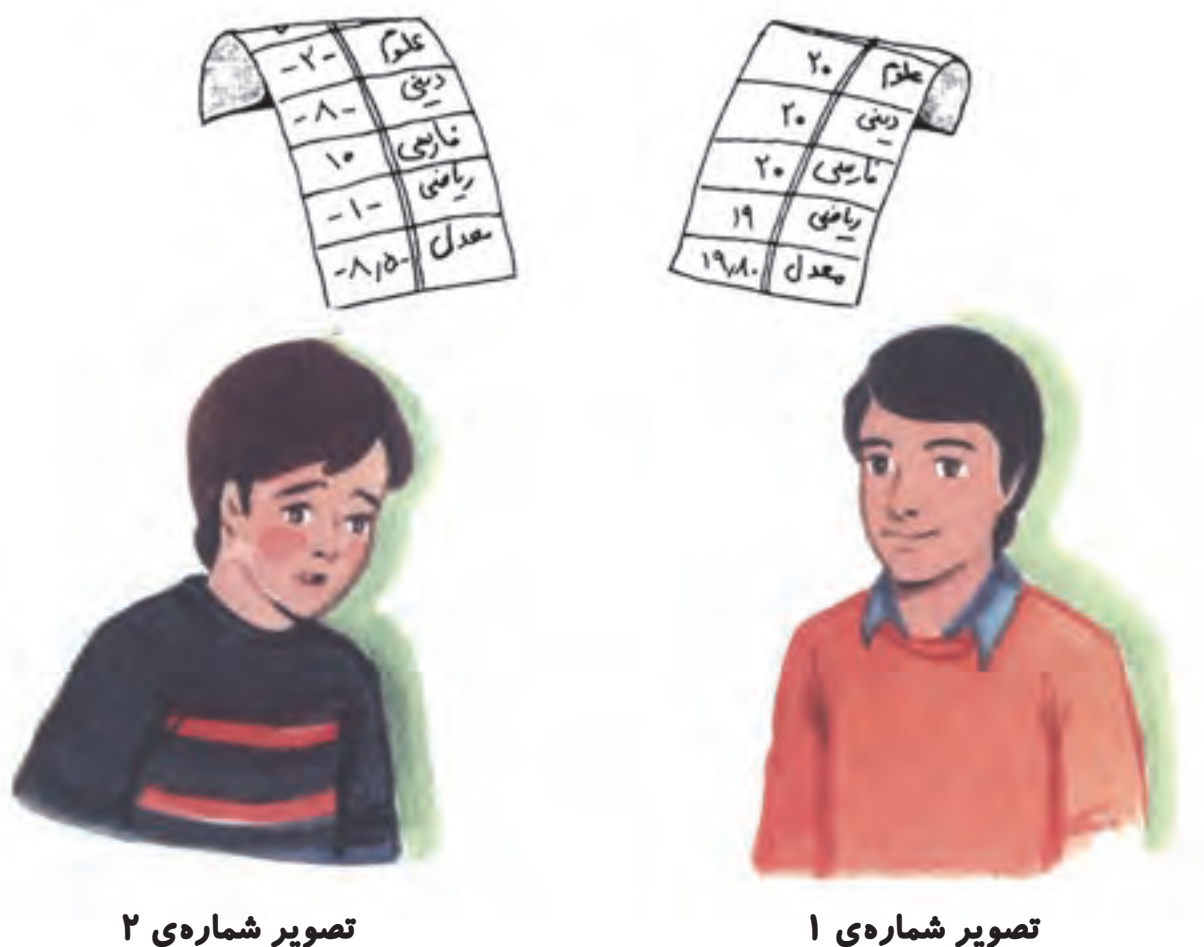
- هر یک از بچه‌ها برای گذراندن زمان بی‌کاری خود در تابستان ..... دارد.
- بعضی از بچه‌ها به کلاس‌های ..... می‌روند.



## تمرین

- در زمان بی‌کاری خود چه کارهایی می‌توانید انجام دهید؟ نام ببرید.
- در زمان بی‌کاری در چه کلاس‌هایی می‌توانید نام‌نویسی کنید؟ نام ببرید.

## مقایسه کنید



— به تصویرهای بالا نگاه کنید و پاسخ دهید به کدام یک از پسرها در تعطیلات تابستان خوش می‌گذرد.

— آیا پسر تصویر شماره ۲ می‌تواند در کلاس‌های تفریحی و ورزشی نام‌نویسی کند؟

**فکر کنید**



بگویید امسال برای تابستان خود چه برنامه‌ای دارید.



شاه چراغ در شیراز

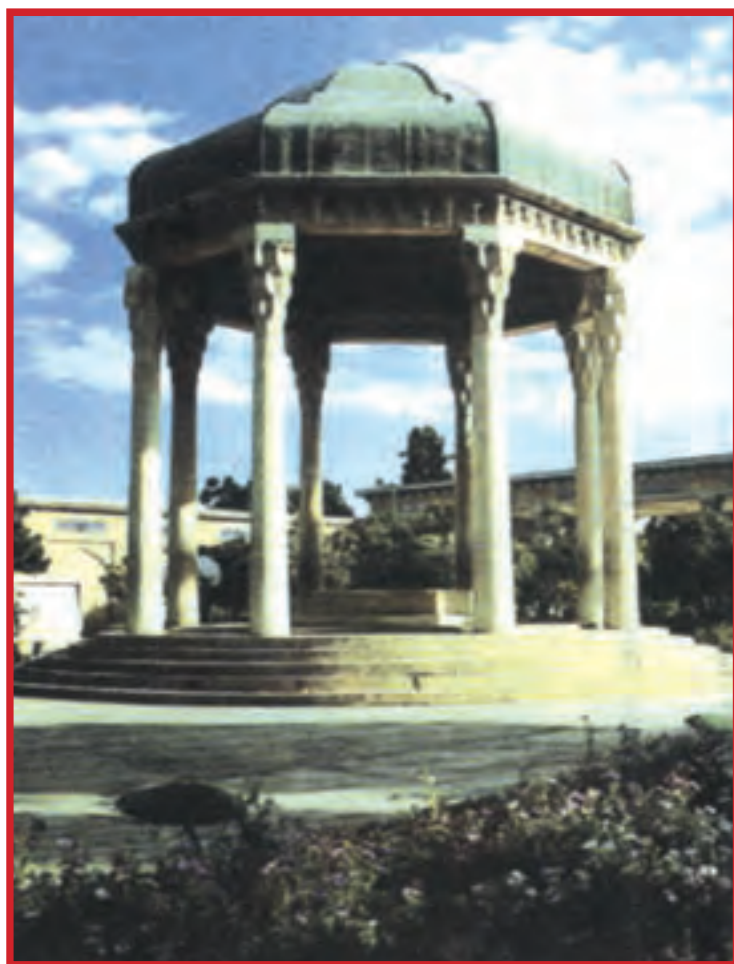


دروازه قرآن در شیراز

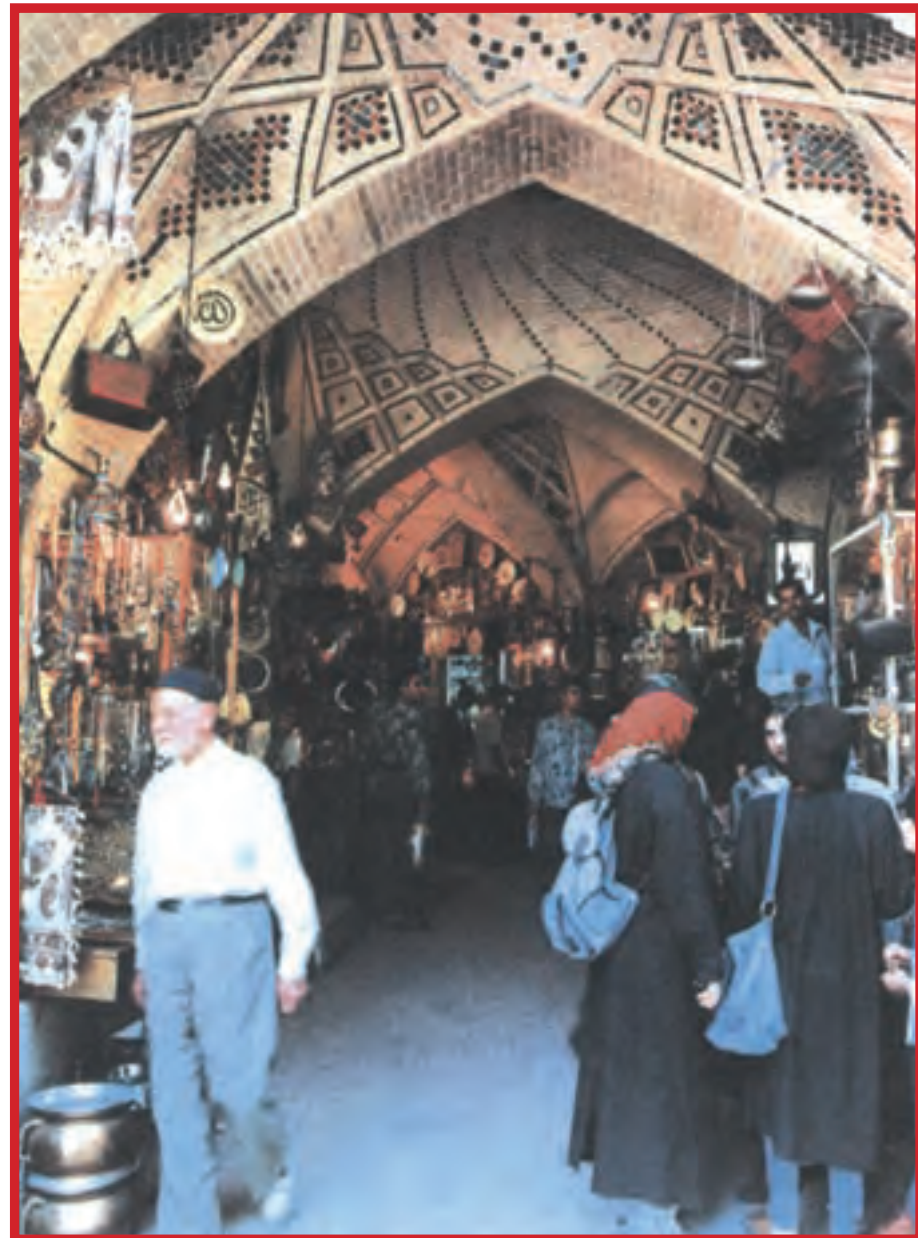




آرامگاه سعدی در شهر شیراز



آرامگاه حافظ در شهر شیراز



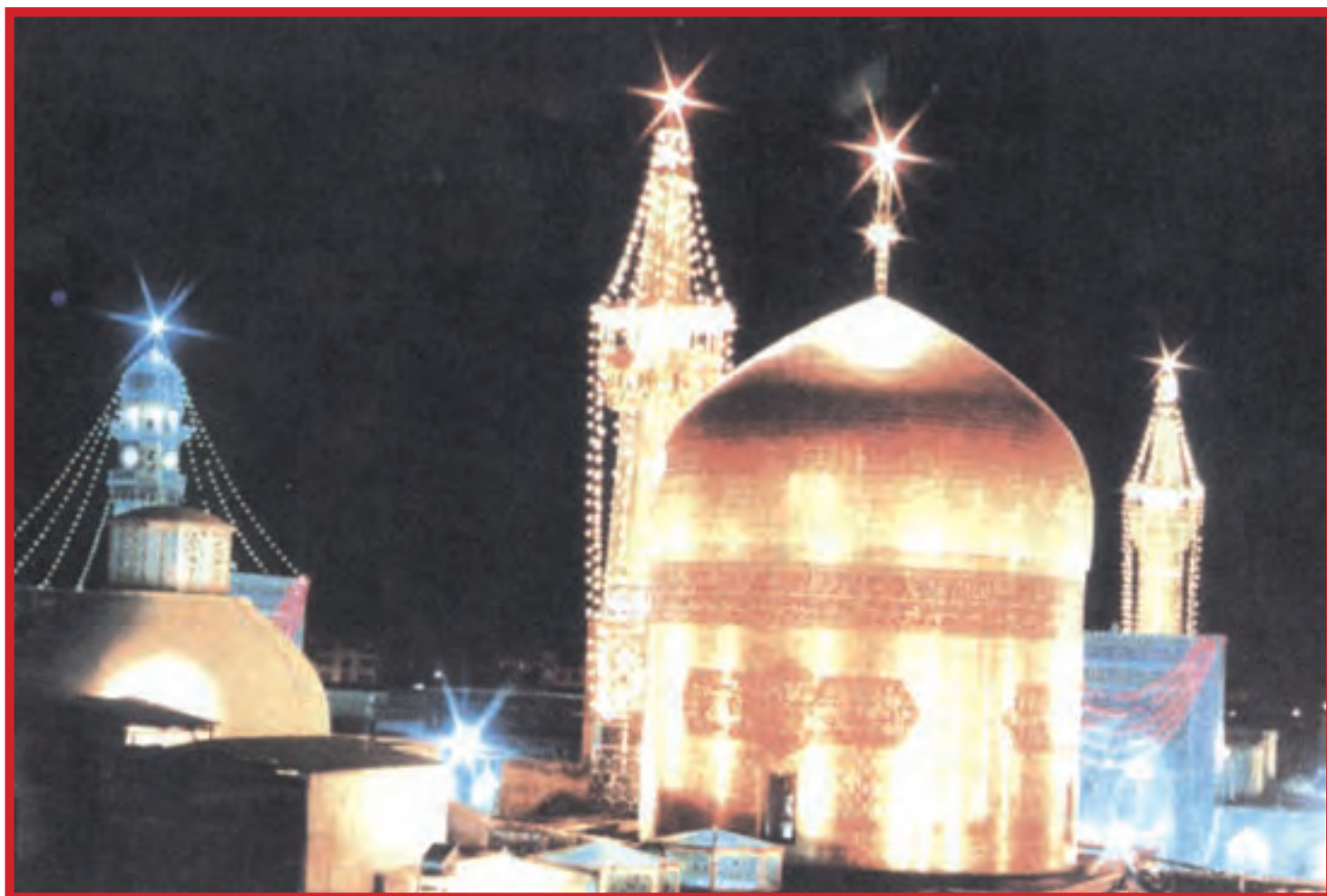
دو تصویر بالا، بازار وکیل در شهر شیراز را نشان می‌دهد.





تخت جمشید در نزدیکی شهر شیراز





حرم امام رضا در شهر مقدس مشهد



آرامگاه فردوسی در طوس



مجسمه فردوسی در طوس

